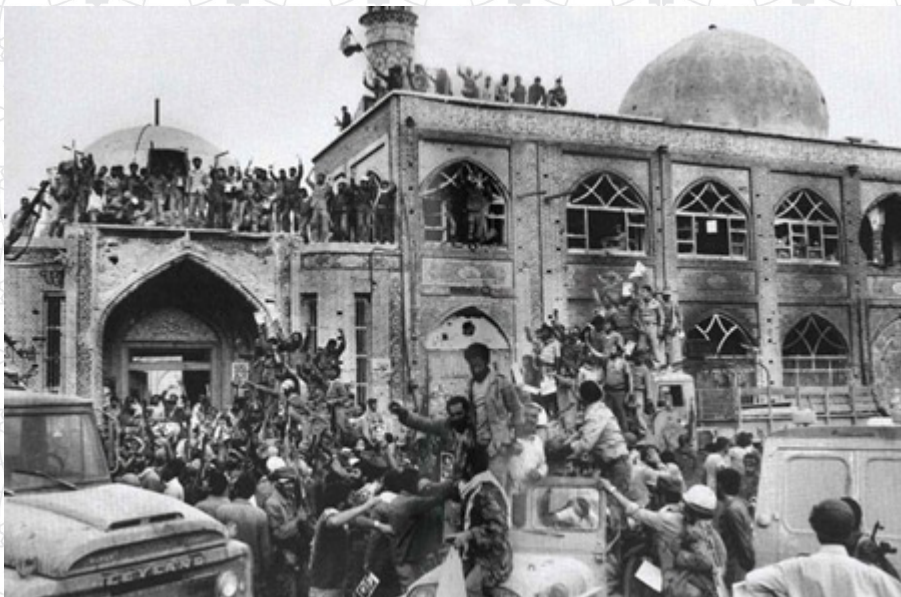


کارکرد اجتماعی نهاد دین در ایران امروز؟ ۴. چالش‌های تحقق کارکرد اجتماعی نهاد مسجد در ایران



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل: ۲۰۰۲۸
کد موضوعی: ۲۷۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۳/۶/۲۴

عنوان گزارش:

کارکرد اجتماعی نهاد دین در ایران امروز؛
۴. چالش‌های تحقق کارکرد اجتماعی
نهاد مسجد در ایران

نوع گزارش: طرح و لایحه □، نظارتی □، راهبردی ■

نام دفتر:

مطالعات فرهنگ و آموزش (گروه دین، ارشاد اسلامی و اوقاف)

تهیه و تدوین:

سینا عصاره‌نژاد دزفولی

ناظران علمی:

موسی بیات، محسن الویری (استاد تمام گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم (ع)، میثم فرخی
(دانشیار گروه ارتباطات و مطالعات فرهنگی دانشکده رفاه)، شمس‌الله مریجی (استاد تمام
گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم (ع))

اظهار نظر کنندگان خارج از مرکز:

محمد سعید مهدوی کنی (استادیار دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع))،
محمد حسین هاشمیان (دانشیار گروه مدیریت راهبردی دانشکده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری
دانشگاه باقرالعلوم (ع))، رسول عباسی (دانشیار گروه مدیریت دانشگاه حضرت معصومه (س))،
رضا امینی‌هرندی (پژوهشگر حوزه سیاستگذاری فرهنگی دانشکده فرهنگ و اجتماعی دانشگاه امام
حسین (ع))، محمد جواد نوروزی (پژوهشگر حوزه سیاستگذاری فرهنگی و مدیر میز مسجد اندیشکده ژرفا)،
مهدی موحد (مدیر پژوهش معاونت برنامه‌ریزی بنیاد هدایت)، عباس ابراهیمی (دبیر شورای تخصصی
حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی)، رضا غلامی روشن (مدیرکل امور مجلس سازمان تبلیغات اسلامی)،
مهدی ناظمی اردکانی (دانشیار مدیریت دانشگاه جامع امام حسین (ع) و دبیر کارگروه مدیریت کلان
دستگاه‌های فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی)، رضا حسین خلیلی (پژوهشگر حوزه سیاستگذاری
مسجد دانشکده فرهنگی و اجتماعی دانشگاه جامع امام حسین (ع))

گرافیک و صفحه آرایی:

سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی:

زهره عطاردی

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۲/۰۷/۰۱

واژه‌های کلیدی:

۱. دین
۲. مسجد
۳. کارکرد اجتماعی نهاد دین
۴. کارکرد اجتماعی مسجد
۵. سیاستگذاری مسجد

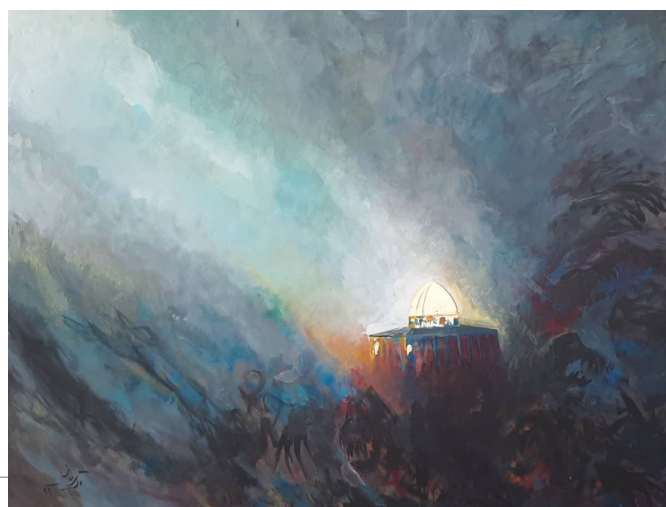


فهرست مطالب

۶	چکیده.....
۷	خلاصه مدیریتی.....
۹	۱. مقدمه و بیان مسئله.....
۱۱	۲. تحلیل زمینه تضعیف کارکرد اجتماعی نهاد دین (به صورت کلی) و نهاد مسجد (به صورت خاص).....
۱۱	۱-۲. فرایند مدرن شدن (مدرنیزاسیون) و تضعیف بنیادین جایگاه نهاد دین در ابرنظام مدرن.....
۱۳	۲-۲. تغییر الگوهای مرجع.....
۱۴	۲-۳. جدایی نهادهایی مانند قضا و تعلیم و تربیت از مسجد در فرایند پیچیده شدن تشکیلات حکمرانی..
۱۴	۲-۴. گذار از مناسک و آیین های دینداری اولیه به مناسک و آیین های ثانویه.....
۱۶	۳. علل سیاستی - تقنینی تحقق کارکرد اجتماعی مساجد در ایران.....
۱۶	۱-۳. ابهام در حدود و نحوه مداخله دولت (به معنی اعم) در سیاستگذاری و قانونگذاری حوزه مسجد در جمهوری اسلامی ایران.....
۱۷	۲-۳. آسیب غلبه رویکرد دفعی (در برابر رویکرد تدریجی) در سیاستگذاری حوزه مسجد.....
۱۸	۳-۳. چیره شدن انگاره آسیب زای «دولت خادم- ملت مخدوم» بر برخی از شئون حیاتی مسجد.....
۲۰	۳-۴. تعدد سازمان های متولی امور مسجد و عدم توازن هندسی این دستگاه ها نسبت به هم.....
۲۲	۳-۵. ضعف در فرایند توسعه فیزیکی مساجد.....
۲۳	۳-۶. کم توجهی به ظرفیت مسجد در باز تولید اعتماد تعمیم یافته.....
۲۴	۳-۷. محله زدایی در فرایندهای توسعه شهری و بی نسبت شدن مسجد با فضای پیرامونی خود.....
۲۵	۳-۸. ناکارآمدی سازوکارهای سنتی تامین مالی نهاد مسجد.....
۲۶	۳-۹. عدم حضور مستمر نهاد روحانیت در مسجد.....
۲۷	۱-۳. از انفعال حکمرانی مسجد در برابر موج تفکیک کارکردهای آن تا همسویی سیاست ها با این موج...
۲۸	۴. بحث و نتیجه گیری.....
۲۹	۵. پیشنهاد های سیاستی.....
۲۹	۱-۵. تهیه سند بالادستی و کلان سیاستگذاری مسجد توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی.....
۲۹	۲-۵. بازمهندسی ساختارهای ناظر بر حوزه مسجد، مبتنی بر دال مرکزی احیای کارکرد اجتماعی این نهاد...
۳۰	۳-۵. ملزم کردن دستگاه های دولتی و غیردولتی به ارائه بخشی از خدمات اجتماعی خود در بستر مسجد و گسترش تدریجی ارائه این خدمات توسط دستگاه های مزبور.....
۳۰	منابع و مأخذ.....

فهرست جداول

۱۵	جدول ۱. تغییرات برخی شاخص های دینداری ایرانیان از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۵.....
۱۵	جدول ۲. آمار زائران ایرانی آیین اربعین طی سال های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲.....
۲۶	جدول ۳. آمار اقامه نماز جماعت از بین پایگاه های مرتبط با مساجد.....
۲۷	جدول ۴. آمار امامان جماعت در بین پایگاه های مرتبط با مسجد.....



کارکرد اجتماعی نهاد دین در ایران امروز؛ ۴. چالش‌های تحقق کارکرد اجتماعی نهاد مسجد در ایران

چکیده



نهاد مسجد در صدر و برهه‌هایی از تاریخ اسلام نه تنها محل «نیایش» بود، بلکه کارکردهای اجتماعی متنوعی نیز به همراه داشت. اما به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران حوزه دین، امروزه با گذشت بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نهادهای مختلف ناظر بر حوزه مسجد، این نهاد جایگاه قابل انتظار خود را در جامعه ایرانی پیدا نکرده و رفته رفته از محوریت آن کاسته شده است. در همین راستا، مسئله اصلی پژوهش حاضر، واکاوی و صورت‌بندی چالش‌های سیاستگذاری مسجد در جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق کارکرد اجتماعی این نهاد و سپس ارائه پیشنهاد‌های سیاستی است.

نقاط چالشی شناسایی شده در دو نسخ زمینه‌ای و سیاستی-تقنینی عبارتند از: ۱. تضعیف بنیادین جایگاه نهاد دین در ابرنظام مدرن در فرایند مدرن شدن؛ ۲. تغییر الگوهای مرجع؛ ۳. جدایی نهادهای قضا و تعلیم و تربیت از مسجد در فرایند پیچیده شدن تشکیلات حکمرانی؛ ۴. گذار از مناسک و آیین‌های دینداری اولیه به مناسک و آیین‌های ثانویه؛ ۵. ابهام در حدود و نحوه مداخله دولت (به معنی اعم) در سیاستگذاری و قانونگذاری حوزه مسجد در جمهوری اسلامی ایران؛ ۶. آسیب غلبه رویکرد دفعی (در برابر رویکرد تدریجی) در سیاستگذاری حوزه مسجد؛ ۷. چیره شدن انگاره آسیب‌زای «دولت خادم-ملت مخدوم» بر برخی از شئون حیاتی مسجد؛ ۸. تعدد سازمان‌های متولی امور مسجد و عدم توازن هندسی این دستگاه‌ها نسبت به هم؛ ۹. ضعف در فرایند توسعه فیزیکی مساجد؛ ۱۰. کم‌توجهی به ظرفیت مسجد در بازتولید اعتماد تعمیم‌یافته؛ ۱۱. محله‌زدایی در فرایندهای توسعه‌ای شهری و بی‌نسبت شدن مسجد با فضای پیرامونی خود؛ ۱۲. ناکارآمدی ساز و کارهای سنتی تأمین مالی نهاد مسجد؛ ۱۳. عدم حضور مستمر نهاد روحانیت در مسجد؛ ۱۴. انفعال حکمرانی مسجد در برابر موج تفکیک کارکردهای آن یا همسویی سیاست‌ها با این موج. در تحلیل مرحله عمیق نقاط چالشی و کلان سیاستگذاری مسجد در ایران در راستای احیای کارکردهای اجتماعی آن، علت‌العلل مشکلات این عرصه را می‌توان «نگاه انفکاک‌ی به نهاد مسجد از جامعه پیرامونی و بدون ربط دیدن آن با سایر نهادها و نظام‌های اجتماعی» و در نتیجه «سیاستگذاری نهاد مسجد بدون توجه به الگوها و کلان‌روندهای توسعه‌ای» و «سیاستگذاری دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و عمومی بدون توجه به ماهیت و ظرفیت نهاد مسجد» دانست. بنابراین «تعیین جایگاه نهاد مسجد در کلان‌الگوی توسعه (از جمله توسعه شهری) در جمهوری اسلامی ایران» به عنوان اولین ضرورت سیاستگذاری نهاد مسجد شناسایی می‌شود. در نهایت پیشنهاد‌های سیاستی عبارتند از: ۱. تهیه سند بالادستی و کلان سیاستگذاری مسجد توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۲. بازمهندسی ساختارهای ناظر بر حوزه مسجد، مبتنی بر دال مرکزی احیای کارکرد اجتماعی این نهاد؛ ۳. ملزم کردن دستگاه‌های دولتی و غیردولتی به ارائه بخشی از خدمات اجتماعی خود در بستر مسجد و گسترش تدریجی ارائه این خدمات توسط دستگاه‌های مزبور.

■ بیان / شرح مسئله

نهاد مسجد در صدر و برهه‌هایی از تاریخ اسلام نه تنها محل «نیایش» بوده، بلکه به نوعی مرکز تصمیم‌گیری‌های مهم اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و جایگاه حل معضلات امت اسلامی و پشتوانه‌ای محکم برای جامعه و نظام اسلامی محسوب می‌شد. اما به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران حوزه دین، امروزه با گذشت بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نهادهای مختلف ناظر به مسجد، چنین احساس می‌شود که این نهاد جایگاه قابل‌انتظار خود را در منظومه‌های اجتماعی، فرهنگی، ارتباطی، تربیتی و دینی جامعه ایرانی پیدا نکرده و رفته‌رفته از محوریت آن در این کلان‌منظومه و از خصلت چندمنظورگی آن کاسته شده است.

براساس آخرین گزارش مرکز رصد فرهنگی کشور (آذرماه ۱۴۰۲)، از مجموع تعداد مساجد کشور فقط در ۳۰٫۶ درصد آنها نماز جماعت در سه نوبت برگزار می‌شود. براساس این گزارش، فراوانی ادای نماز جماعت از سال ۱۳۷۹ تا ۱۴۰۲ در حد متوسط و تا حدودی رو به پایین بوده، با این وجود قدر متیقن همه رویکردهای تحلیلی بیانگر محوریت نیافتن شایسته نهاد مسجد در تاروپود ارتباطات اجتماعی جامعه کنونی است. از طرف دیگر با شکل‌گیری نظام اسلامی این انتظار وجود دارد که ساختار حکمرانی کشور در حوزه‌های مختلف، با توجه به ظرفیت بنیادین، نهفته و تاریخ‌مند دین در جامعه و فرهنگ ایرانی، به استخراج ظرفیت‌های بالقوه این نهاد در حکمرانی پرداخته و مأموریت‌های خود را با بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها پی‌جویی کند. بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر، واکاوی و صورت‌بندی چالش‌های اساسی سیاست‌گذاری مسجد در جمهوری اسلامی ایران در راستای احیای کارکرد اجتماعی این نهاد و سپس ارائه پیشنهاد‌های سیاستی در جهت هموار کردن مسیر تحقق این امر است.

■ نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

نقاط چالشی شناسایی شده در پژوهش پیش‌رو را می‌توان به دو دسته زمینه‌ای و سیاستی - تقنینی تقسیم کرد. چالش‌های مربوط به زمینه، چالش‌هایی هستند که مستقیماً ناشی از نحوه حکمرانی فعلی در حوزه دین و مسجد نبوده بلکه عمدتاً ناشی از علل بیرونی آن و مسبوق به این شیوه حکمرانی هستند و به نوعی به خصلت زمینه و بستری تبدیل شده‌اند که دستگاه حکمرانی حوزه مسجد، قصد سیاست‌گذاری و اعمال قانون در آن را دارد. مانند نسبت اندک نهاد دولت مدرن (آن پدیداری که پس از قرن ۱۵ میلادی در اروپا، طی فعل و انفعالاتی خاص به وجود آمد) با نهاد دین و یا جایگاه تنزل یافته نهاد دین در جهان امروز. لذا هدف از چالش‌های سیاستی - تقنینی، علل و موانعی هستند که مستقیماً ناشی از اعمال یا عدم اعمال اراده حاکمیتی در حوزه مزبور است. براساس این تقسیم‌بندی، چالش‌های زمینه سیاست‌گذاری مسجد در ایران در راستای تحقق کارکرد اجتماعی این نهاد عبارتند از: ۱. تضعیف بنیادین جایگاه نهاد دین در ابرنظام مدرن در فرایند مدرن شدن؛ ۲. تغییر الگوهای مرجع؛ ۳. جدایی نهادهای قضا و تعلیم و تربیت از مسجد در فرایند پیچیده شدن تشکیلات حکمرانی؛ ۴. گذار از مناسک و آیین‌های دینداری اولیه به مناسک و آیین‌های ثانویه. همچنین چالش‌های سیاستی - تقنینی شناسایی شده عبارتند از: ۱. ابهام در حدود و نحوه مداخله دولت (به معنی اعم) در سیاست‌گذاری و قانونگذاری حوزه مسجد در ایران؛ ۲. آسیب غلبه رویکرد دفعی (در برابر رویکرد تدریجی) در سیاست‌گذاری حوزه مسجد؛ ۳. چیره شدن انگاره آسیب‌زای «دولت خادم - ملت مخدوم» بر برخی از شئون حیاتی مسجد؛ ۴. تعدد سازمان‌های متولی امور مسجد و عدم توازن هندسی این دستگاه‌ها نسبت به هم؛ ۵. ضعف در فرایند توسعه فیزیکی مساجد؛ ۶. کم‌توجهی به ظرفیت مسجد در بازتولید اعتماد تعمیم‌یافته؛ ۷. محله‌زدایی در فرایندهای توسعه‌ای شهری و بی‌نسبت شدن مسجد با فضای پیرامونی خود؛ ۸. ناکارآمدی ساز و کارهای سنتی تأمین مالی نهاد مسجد؛ ۹. عدم حضور مستمر نهاد روحانیت در مسجد؛ ۱۰. انفعال حکمرانی مسجد در برابر موج تفکیک کارکردهای آن یا همسویی سیاست‌ها با این موج.



■ پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

مدرن‌نیت، نظام‌های اجتماعی خاص خود را ایجاد کرد و در امتداد آن، نظام ارتباطات اجتماعی در جوامع مسلمان، از ارتباطات سنتی به ارتباطات مدرن تغییر یافت. در کنار تغییرات متأثر از موج تجدد، اتفاقات دیگری نیز رخ داد که در عین اینکه از محوریت نهاد مسجد می‌کاست، اما ریشه آنها الزاماً و منحصرأ در تجدد نبود. اتفاقاتی مانند تغییر الگوهای مرجع و جدایی کارکردهای سنتی مسجد از آن در فرایند پیچیده‌تر شدن تشکیلات حکمرانی (مانند نهادهای قضا و تعلیم و تربیت)، اما بر ایند این رخدادها، شکل‌گیری وضعیت جدیدی در تعارض با وضعیت سنتی نظام‌های اجتماعی بود که وضعیت سنت و از رهاورد آن، دین را به چالش می‌کشید.

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و نظام جمهوری اسلامی با اهداف و انگیزه‌های دینی، این انتظار وجود داشت که در حکمرانی حوزه دین و مسجد با اتخاذ سیاست‌هایی، به نهاد دین (به صورت کلی) و نهاد مسجد (به صورت خاص)، در هندسه نظام‌های اجتماعی محوریت داده شود و از این طریق زمینه احیای کارکردهای اجتماعی آنها فراهم آید. با آسیب‌شناسی سیاستگذاری نهاد مسجد در ایران و با نگاهی تبارشناسانه به این سیاست‌ها، می‌توان دریافت که به رغم توسعه کمی قابل توجه نهاد مسجد پس از انقلاب اسلامی، سیاستگذاری این نهاد از عارضه‌هایی اساسی مانند ابهام در حدود و نحوه مداخله حاکمیت در سیاستگذاری و قانونگذاری نهاد مسجد، غلبه رویکرد دفعی در سیاستگذاری مسجد، چیره شدن انگاره مخرب «دولت خادم- ملت مخدوم» بر برخی از شئون حیاتی مسجد، تعدد سازمان‌های متولی امور مسجد و عدم توازن هندسی این دستگاه‌ها نسبت به هم رنج می‌برد. این عوارض در کنار وضعیت ناظر بر نهادهای پیرامونی و زمینه‌ای مسجد مانند ناکارآمدی سازوکارهای سنتی تأمین مالی نهاد مسجد و عدم حضور مستمر نهاد روحانیت در مسجد، باعث شده است که رویکرد کلی دستگاه‌های حکمرانی حوزه مسجد در برابر موج تفکیک کارکردهای اجتماعی از این نهاد یا به صورت انفعالی باشند و یا سیاست‌ها همسو با این موج اتخاذ شوند.

در تحلیل مرحله عمیق چالش‌های کلان سیاستگذاری مسجد در ایران در راستای احیای کارکردهای اجتماعی آن، علت‌العلل مشکلات این عرصه را می‌توان «نگاه انفکاک‌ی به نهاد مسجد از جامعه پیرامونی و بدون ربط و نسبت دیدن آن با سایر نهادها و نظام‌های اجتماعی» و در نتیجه «سیاستگذاری نهاد مسجد بدون توجه به الگوها و کلان‌روندهای توسعه‌ای» و «سیاستگذاری دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و عمومی بدون توجه به ماهیت و ظرفیت نهاد مسجد» دانست. توضیح آنکه؛ از تحلیل عمیق تبار سیاستگذاری در حوزه مسجد، می‌توان دریافت که گویا در قاطبه این فرایند، نهاد مسجد از سایر نهادهای اجتماعی مانند نهاد محله منفک دانسته می‌شود و در نتیجه سیاستگذاری‌ها برای احیای مسجد، منحصرأ ناظر بر خود نهاد مسجد است، در حالی که مسجد از نهادهای پیرامونی و بسیار اثرگذار اطراف خود مانند نهادهای محله، حوزه علمیه و بازار منفک نبوده و تحولات هر کدام از این نهادها اثراتی مستقیم بر وضعیت مسجد می‌گذارد و اساساً زمانی می‌توان سیاستگذاری قابل قبولی در حوزه مسجد داشت که برای مثال نهاد محله، خصلت‌های اساسی خود را حفظ کرده باشد، چرا که روح نهاد محله از قبل مسجد ظهوری قدسی می‌یابد. بنابراین در تحلیل مرحله عمیق‌تر این مشکلات، «تعیین جایگاه نهاد مسجد در کلان‌الگوی توسعه (از جمله توسعه شهری) در جمهوری اسلامی ایران» به عنوان اولین ضرورت سیاستگذاری نهاد مسجد در جمهوری اسلامی ایران شناسایی می‌شود.

در نهایت سه پیشنهاد سیاستی در این رابطه ارائه می‌شود که عبارتند از: ۱. تهیه سند بالادستی و کلان سیاستگذاری مسجد توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۲. بازمهندسی ساختارهای ناظر بر حوزه مسجد، مبتنی بر دال مرکزی احیای کارکرد اجتماعی این نهاد؛ ۳. ملزم کردن دستگاه‌های دولتی و غیردولتی به ارائه بخشی از خدمات اجتماعی خود در بستر مسجد و گسترش تدریجی ارائه این خدمات توسط دستگاه‌های مزبور.

۱. مقدمه و بیان مسئله

نهاد مسجد^۱ در فرهنگ اسلامی از جایگاهی شامخ برخوردار است، به گونه‌ای که از آن به عنوان «خانه خدا بر روی زمین»^۲، «جایگاه انبیا»^۳ و «بهترین محل‌ها»^۴ یاد شده است. این پایگاه دینی در صدر و برهه‌هایی از تاریخ اسلام نه تنها محل «مناجات» و «نیایش» بوده، بلکه به نوعی مرکز تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی، اقتصادی، نظامی و مکان نشر معارف دینی و کانون تربیت انسان‌های متعهد به‌ویژه جوانان و جایگاه حل معضلات امت اسلامی و پشتوانه‌ای محکم برای جامعه و نظام اسلامی محسوب می‌شده است.^۵ [۳]. امام خمینی (ره) در این زمینه بیان می‌دارند: «مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده؛ از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده و از مسجد برای حرکت قوای اسلامی به منظور سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در زیر بیرق اسلام استفاده می‌شده است. همیشه در صدر اسلام، مسجد مرکز حرکات و مرکز جنبش‌ها بوده است» [۴]. در برهه‌هایی از ادوار اسلامی تمدن ایران، مانند دوره آل بویه (سال‌های ۳۲۲ تا ۴۴۸ ق)، نیز کارکردهای اجتماعی نهاد مسجد به قله‌هایی درخشان رسید [۵]؛ اما به‌طور کلی همواره این نهاد به عنوان پایگاهی غیرقابل اغماض در تاروپود ارتباطات اجتماعی جامعه ایرانی در دوره‌های مختلف اسلامی محسوب می‌شد. همچنین در طول تاریخ معاصر ایران، این نهاد نقش‌هایی پررنگ را ایفا کرده است که می‌توان نمودها و قله‌های بارز آن را بیشتر در نقاط بحرانی این تاریخ، مانند دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی [۶] و [۷]، دوران جنگ تحمیلی [۸] و یا حتی برهه همه‌گیری بیماری کرونا [۹] مشاهده کرد. اما به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران حوزه دین، امروزه با گذشت بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نهادهای مختلف برای رفع نیازهای مادی و معنوی مردم چنین احساس می‌شود که نهاد مسجد جایگاه قابل‌انتظار خود را در منظومه‌های اجتماعی، فرهنگی، ارتباطی، تربیتی و دینی جامعه ایرانی پیدا نکرده و رفته‌رفته از محوریت آن در این کلان‌منظومه و از خصلت چندمنظورگی آن کاسته شده [۱۰] و حتی به‌نظر برخی، این امر در زمینه رسالت اولیه مساجد، یعنی برگزاری آداب و آیین‌های نیایشی هم محسوس است [۱۱].

بر اساس آمارهای مطرح شده توسط سازمان‌های مختلف مربوطه،^۶ مانند سازمان اوقاف و امور خیریه، مرکز رصد فرهنگی کشور و ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، تعداد کل مساجد کشور بین ۷۰ تا ۹۰ هزار باب تخمین زده می‌شود^۷ که گسترده‌ترین شبکه فراگیر اجتماعی را در جمهوری اسلامی ایران شکل می‌دهند.^۸ اما بر اساس آخرین گزارش مرکز رصد فرهنگی کشور (آذرماه ۱۴۰۲)،^۹ از مجموع تعداد این مساجد فقط در ۳۰٫۶ درصد آنها نماز جماعت در سه نوبت برگزار می‌شود.^{۱۰} بر اساس این گزارش، فراوانی ادای نماز جماعت از سال ۱۳۷۹ تا ۱۴۰۲ در حد متوسط و تا حدودی رو به پایین بوده است.^{۱۱} همچنین، به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، با فرض پذیرش کاهش نسبی حضور مردم در مساجد، الزاماً این تغییر به معنای کاهش دینداری جامعه ایرانی نبوده، بلکه می‌تواند گواهی بر تغییر سبک‌های دینداری، از دینداری با

۱. منظور از مسجد در گزارش حاضر، مسجد به معنای خاص آن است و مصادیق عام آن مانند نمازخانه مدنظر نیست.

۲. «أَلَا إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسْجِدِ، تَضَى لَأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تَضَى لَأَهْلِ الْأَرْضِ» [۱].

۳. «الْمَسْجِدُ مَجَالِسُ الْأَنْبِيَاءِ» [۲].

۴. «...خَيْرُ الْبِقَاعِ الْمَسْجِدُ...» [۲].

۵. از مجموعه آیات و روایات و همچنین بررسی سیره معصومین (ع) به دست می‌آید که مسجد، مکانی است برای عبادت پروردگار. به عبارتی، مسجد مکانی است ویژه بندگی و نه چیز دیگر. در فرهنگ اسلامی تمامی فعالیت‌های انسان در وضعیت خاصی می‌تواند رنگ عبادی به خود بگیرد. در این صورت، اعمال به ظاهر مادی و دنیایی، در واقع، معنوی و اخروی‌اند. بدین ترتیب، «عبادت» در فرهنگ دینی، به «عبادت خاص» (به معنی نیایش) و «عبادت عام» تقسیم می‌شود و اگر مسجد محل عبادت است، شایسته انجام هر دو دسته از عبادات خواهد بود [۳].

۶. لازم به ذکر است که بنا به عللی مانند ضعف در شخصیت حقوقی نهاد مسجد در ساختار قانونی و اجرایی کشور و همچنین عدم وجود انسجام ساختاری در ثبت مساجد، تعداد کل مساجد کشور به صورت دقیق مشخص نیست [۱۲].

۷. برای نمونه، رک: B2n.ir/t19998 (سایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) و B2n.ir/m03427 (ایرنا).

۸. «هیچ حزب یا گروهی دارای بیش از ۸۰ هزار پایگاه اجتماعی (همچون مساجد) نیست. فراگیرتر از مساجد نهاد مشترکی در جامعه جهانی و جهان اسلامی وجود ندارد» [۱۳].

۹. به عنوان «مسجد در ایران؛ آمار، کارکردها، مسائل و جایگاه اجتماعی» (آذرماه ۱۴۰۲).

۱۰. البته آمارهای دیگری نیز وجود دارد که گویای تعطیلی بخش قابل توجهی از کل مساجد کشور است. برای نمونه، در خردادماه ۱۴۰۲، محمد حاجی ابوالقاسم دولابی، نماینده ویژه رئیس‌جمهور در امور روحانیت، طی مصاحبه‌ای بیان داشت که قریب به ۵۰ هزار مسجد در کشور، در تعطیلی کامل به سر می‌برند B2n.ir/q36712 (خبرآنلاین).

۱۱. سایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) B2n.ir/t19998.



سویه‌های اجتماعی به دینداری فردگرایانه‌تر باشد^۱ و یا مثلاً به اعتقاد برخی دیگر از صاحب‌نظران، درست است که از نقش نهادهایی سنتی مانند نهاد مسجد کاسته شده، اما گرایش مردم به سبک‌های مناسکی دینداری (مانند رویداد اربعین و جشن ۱۰ کیلومتری غدیر) افزایش پیدا کرده است.^۲ با این وجود و فارغ از بحث افزایش یا کاهش دینداری ایرانیان، قدر متیقن همه رویکردهای تحلیلی بیانگر محوریت نیافتن شایسته نهاد مسجد در تاروپود ارتباطات اجتماعی جامعه کنونی است. از طرف دیگر با شکل‌گیری نظام اسلامی، این انتظار وجود دارد که ساختار حکمرانی کشور در حوزه‌های مختلف، با توجه به ظرفیت بنیادین، نهفته و تاریخمند دین در جامعه و فرهنگ ایرانی، به استخراج ظرفیت‌های بالقوه این نهاد در حکمرانی پرداخته و مأموریت‌های خود را با بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها پی‌جویی کند. همان‌طور که تا حدودی در اسناد بالادستی سیاستی حوزه فرهنگ و آموزش کشور نیز با همین رویکرد به این امر اشاره شده است. برای نمونه اقدام چهارم ملی، ذیل فصل ششم نقشه مهندسی فرهنگی کشور (مصوب ۱۳۹۲/۰۳/۰۸) به ضرورت «برنامه‌ریزی برای زمینه‌سازی و نهادینه کردن انس با نماز جماعت و مسجد و احیای کارکردهای فرهنگی اجتماعی آن متناسب با نیازهای زمان و مخاطبان» اشاره دارد و با اقدام ملی نهم، ذیل راهبرد کلان دوازدهم این سند به ضرورت «حفظ و تقویت محوریت مساجد در فعالیت‌های نظام فرهنگی، تربیتی، آموزشی و تبلیغ دینی و ارتقای جایگاه و نقش راهبری نهاد مسجد در نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و در حل مسائل عمومی» پرداخته است. همچنین در اسناد کلان دیگری مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (مصوب ۱۳۹۰/۱۲/۰۱)، در راهکار دوم بند هفتم فصل پنجم این سند به ضرورت کنشگری نهاد مسجد در تعامل بین‌بخشی با نهاد آموزش و پرورش اشاره شده است.

بنابر آنچه که بیان شد، مسئله اصلی گزارش حاضر، واکاوی و صورت‌بندی چالش‌های اساسی سیاستگذاری مسجد در جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق کارکرد اجتماعی این نهاد و سپس ارائه پیشنهادهایی سیاستی در جهت هموار کردن مسیر تحقق این امر است.^۳ لذا ابتدا با استفاده از روش کتابخانه‌ای، کلیه منابع اسنادی در زمینه سیاستگذاری مسجد (اعم از مصاحبه‌های خبرگانی و کارشناسانه، کتب، مقاله‌های علمی و پایان‌نامه) احصا و تحلیل خواهد شد و در مرحله بعد با برگزاری جلساتی با خبرگان و ذی‌ربطان دولتی و غیردولتی این حوزه، داده‌های به‌دست آمده به تأیید و رد ایشان خواهد رسید و در نهایت از طریق نشست‌های کارشناسی، راهکارهایی سیاستی ارائه می‌شود.

۱. نامه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پیرامون موانع سیاستی - تقنینی تحقق کارکرد اجتماعی نهاد مسجد در جمهوری اسلامی ایران. مخاطب نامه: دستگاه‌ها و اندیشمندان حوزه مسجد، ۸۲۰، ۱۴۰۲ - ۱۱۱۰/۱/۱۶۲۰ ص ۲.

۲. (سایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) B2n.ir/t19998.

۳. گفتنی است که برخلاف برخی از رویکردها که قائل به واسپاری حداکثری مسئولیت‌های اجتماعی متعدد (که اکنون توسط نهاد دولت و بخش‌های دیگر ساختار اداره کشور انجام می‌شوند) و بدون لحاظ کردن اقتضائات این واسپاری به نهاد مسجد هستند، گزارش حاضر به‌هیچ‌وجه قائل به چنین امری نبوده و نویسنده معتقد است که گسترش نقش اجتماعی نهاد مسجد در ایران امروز دارای اقتضائات و مقدماتی ضروری است که لحاظ نکردن این اقتضائات، هرگونه ایده‌ای در این زمینه را با شکست روبه‌رو می‌سازد؛ مقدماتی مانند بازتعریف نظری نقش نهاد مسجد در ایران امروز، امکان‌سنجی نهاد مسجد در ایفای نقش در حوزه‌های مختلف اجتماعی و ...



۲. تحلیل زمینه تضعیف کارکرد اجتماعی نهاد دین (به صورت کلی) و نهاد مسجد (به صورت خاص)

در این بخش به بررسی و تحلیل عللی پرداخته خواهد شد که مستقلاً ناشی از نحوه حکمرانی در حوزه دین و مسجد نبوده، بلکه عمدتاً ناشی از علل بیرونی آن و مسبوق به این دستگاه حکمرانی هستند و به نوعی به خصلت زمینه و بستری تبدیل شده‌اند که دستگاه حکمرانی قصد سیاست‌ورزی و اعمال قانون در آن را دارد؛ مانند نسبت اندک نهاد دولت مدرن (آن پدیداری که پس از قرن ۱۵ میلادی در اروپا، طی فعل و انفعالاتی خاص به وجود آمد) با نهاد دین و یا جایگاه تنزل یافته نهاد دین در جهان امروز. لذا به دلیل اینکه این موانع به خصلت ذاتی زمینه مورد مذاقه تبدیل شده‌اند، شناخت چالش‌های حکمرانی در این زمینه، بدون شناخت دقیق از این خصلت‌های ذاتی میسر نخواهد بود. زیرا شناخت از این خصال، نحوه، میزان، حدود و اساساً امکان مداخله را برای دستگاه حکمرانی مشخص خواهد کرد و سطح انتظار حکمرانان را از این امور واقعی خواهد نمود.

۲-۱. فرایند مدرن شدن (مدرنیزاسیون)^۱ و تضعیف بنیادین جایگاه نهاد دین در ابر نظام مدرن

۲-۱-۱. شکل‌گیری پروتستان‌تیزم و بازسازی ساختار دین و تفکر

۸۰ سال پس از رنسانس، با شکل‌گیری جریان اصلاح دینی (رفرماسیون)^۲ در سال ۱۵۱۷ میلادی (تا سال ۱۶۴۸)، مذهب پروتستان در غرب ایجاد شد.^۳ پروتستان‌ها (اصلاح‌گران دینی)^۴ کسانی بودند که بر اصل محوریت دین و مشخصاً مسیحیت تأکید داشتند و در عین پایبندی به اصول دینی مشخص، با خوانش کاتولیک مخالف بودند و بر کلیسا شوریدند.^۵ به عبارتی، پروتستان‌تیزم با این حال که مخالف و منتقد سرسخت مذهب کاتولیک بود، اما در ریشه‌های خود از این مذهب وام می‌گرفت و فقط نقطه‌های تمرکز و تأکید آن را تغییر داد. برای مثال، پروتستان‌ها بر اهمیت کتاب مقدس^۶ افزودند و انحصار دریافت الهام^۷ که در گذشته در دست قدیسان بود، شکسته شد و فهم متن مقدس به همه افراد تعمیم داده شد. لذا فردگرایی^۸ اهمیت پیدا کرد و به شدت گسترش یافت. در این میان، مردم عادی این جوامع فقط حق فهمیدن کتاب مقدس را نیافتند، بلکه حقوق دیگری هم برای آنها در جوامع غربی مطرح شد. برای نمونه، اساساً تفکر «آموزش برای همه»^۹ در جهان غرب، ریشه در جنبش پروتستان‌تیزم دارد و در مناطقی که تفکر پروتستان وجود نداشت، مقاومت زیادی در برابر این تفکر می‌شد. بنابراین، در جریان اصلاح دینی باز مهندسی جدیدی صورت گرفت و هندسه نوینی شکل یافت و مراکز ثقل دینی جابه‌جا شد. اما جریان اصلاح دینی در غرب فقط یک جریان خاص و منحصرأ معطوف و ناظر بر حوزه دین نبود، بلکه مقدمه تغییراتی عظیم‌تر در تمامی نهادهای فرهنگی و تمدنی غرب بود [۱۵].

۲-۱-۲. شکل‌گیری جریان روشنگری و تضعیف ساختارمند و راهبردی جایگاه دین در جامعه، فرهنگ و دیگر عرصه‌های اجتماعی (شکل‌گیری نظام‌های اجتماعی سکولار)

اصلاح‌گران دینی در غرب، تفکر غربی را بازآرایی کردند و شکل و فرم آن را تغییر دادند. به اعتقاد ایشان اشیا و امور در همه سطوح تفکر، ناشی از

۱. «مدرنیزاسیون» مجموعه تحولاتی است که در امور روبنایی جامعه، در اقتصاد و نظام اداری و سیاسی صوت می‌گیرد. اینها همه هم مستقیماً با مدرنیسم مرتبطند و هم غیرمستقیم تحت تأثیر مدرنیته‌اند. حال آنکه مدرنیته دیرتر و در نهایت به گونه‌ای غیرقابل‌رؤیت به جوامع غیر غربی می‌رسند. پدیدار شدن گرایش‌های فکری، فلسفی نوگرا، تغییرات پایه‌ای در تعلیم و تربیت، نوگرایی فکری-مذهبی، پیدایش سینما در ایران، مجموعه تحولاتی هستند که دیرتر و بسیار تدریجی‌تر از تحول در ارتش، اقتصاد و صنعت پدید آمده‌اند و کمک به تصمیم‌های سیاسی، دولتی و یافردی می‌کنند [۱۴]. همواره تکنیک و اقتصاد، سریع‌تر از فکر تکنیک‌ساز و اقتصادساز قادرند از فضای جغرافیایی غربی خارج شوند و شبکه‌های خود را سراسری کنند و فضای جدید ارتباطی در سطح جهان بنا سازند. این پدیده‌های قابل‌رؤیت، ایجادگر ضرورت‌های جدیدند که بنای نوگرایی یا مدرنیزاسیون را در کشورهای غیر غربی ریخته‌اند. بنابراین مدرنیزاسیون عبارت است از تحولات نو که در کشورهای غیر غربی در حوزه‌های ساختاری و روبنایی ایجاد می‌شوند [۱۴].

2. Reformation

۳. جنبش‌های دینی و اجتماعی شکل‌دهنده به نظم مدرن در غرب، به ترتیب زمانی عبارتند از: رنسانس، جنبش اصلاح دینی و عصر روشنگری [۱۵].

4. Reformers

۵. مهم‌ترین رهبران جنبش پروتستان‌تیزم: مارتین لوتر، دسیدریوس آراسموس و ژان کالون [۱۶].

6. Bible

7. Inspiration

8. Individualism

9. Education for all



خوانش دیندارانه کاتولیک، در جای خود قرار نداشتند. آنها بر این باور بودند که باید حمله‌ای مناسب، بهتر از حمله رنسانس به دین انجام داد. جنبش رنسانس با رویکردی صرفاً سلبی، فقط به وضعیت موجود «نه» گفت، اما بدیلی ایجابی برای آن نداشت. اما جریان‌های اصلاح‌طلبی دینی علاوه بر رویکرد سلبی به دین، مقدمه‌ای برای پاسخ‌هایی ایجابی در ضدیت و یا حداقل تغییر جایگاه دین در عرصه تفکر، جامعه و فرهنگ را فراهم کرد و این امر طلوعه ورود به دوران جدیدی به نام «عصر روشنگری»^۱ بود.

عصر روشنگری با شدت و قاطعیت، مبتنی بر چالش با دین و نگاه منفی به آن بود. متفکرین روشنگری، کسانی بودند که به این نتیجه رسیدند که صرفاً عوض کردن فرم دین و اصلاح تفکر دینی نمی‌تواند تغییر چندانی حاصل کند، بلکه علاوه بر تغییر جایگاه دین در تفکر، باید جایگاه آن را در جامعه، فرهنگ و همه عرصه‌های متعلق به جامعه تغییر داد و یک بازسازی اساسی از جامعه و نظام‌های آن، مبتنی بر این نگاه صورت بگیرد. البته لازم به ذکر است که فرانسه، آلمان، اسکاتلند، اسکاتلندیناوی و روسیه مدل‌های مختلف روشنگری داشتند. برای نمونه در آلمان مسئله روشنگری نفی دینی نبود، بلکه روشنگران آلمانی به شکل عمده صرفاً به دنبال بازتعریف کردن جایگاه دین در جامعه بودند و اعتقاد داشتند که دین نباید به عنوان اساس و پایه همه نظام‌های اجتماعی انتخاب شود، اما می‌تواند حضور داشته باشد و حتی نقش مثبت هم ایفا کند؛^۲ لذا مؤسسات آلمان می‌توانند به مراکز دینی کمک کنند. اما در کشوری مانند فرانسه این گونه نیست و اساساً الگوی روشنگری فرانسوی در تعارض و تضاد صددرصدی با دین شکل گرفت.^۳ اما در نهایت وجه اشتراک همه الگوهای روشنگری را می‌توان مخالفت با نقطه شروع بودن دین برای تفکر و پایه بودن آن برای نهادها و نظام‌های اجتماعی دانست [۱۵].

۳-۱-۲. ارتباط جهان غرب با دیگر تمدن‌ها و نقش این ارتباط در سکولار شدن نظام‌های اجتماعی مدرن در اروپا

در قرون که جریان مدرنیته در حال نضج یافتن بود،^۴ جهان غرب با جهان اسلام و دیگر تمدن‌ها ارتباطی نزدیک و تنگاتنگ گرفت؛^۵ که برخی از این ارتباطات ناشی از کشمکش‌های صورت گرفته بین این دو جهان شکل یافت. این کشمکش‌ها زمینه ارتباطی فکری و مبادله‌ای را فراهم کرد. قرآن در قرن هجدهم توسط کشیشی ایتالیایی ترجمه شد [۱۸]. اروپایی‌ها از این مواجهه با جهان اسلام و دیگر تمدن‌ها متوجه شدند که می‌شود یک کشور منسجم و دارای نظام اجتماعی پایدار داشت و در عین حال مسیحی کاتولیک نبود. آنها فهمیدند که قدرت سیاسی، انضباط اجتماعی، آموزش و پرورش، اخلاق و ... فقط مختص به مسیحیت کاتولیک نیست و با نقد مسیحیت الزاماً این نظام‌ها فرو نمی‌پاشد. آنها متوجه شدند که اموری مشترک به نام نظام تعلیم و تربیت، اخلاق و ... وجود دارد که می‌تواند هیچ ربطی به دین نداشته باشند و با دست کشیدن از دین، قرار نیست که این نظام‌ها از اساس معدوم شوند. جریان روشنگری، الگوی غیردینی برای اخلاق ارائه داد. مهم‌ترین مسئله اندیشمندی مانند ایمانوئل کانت در آن عصر، ارائه الگویی از اخلاق غیروابسته به دین بود (اخلاق منهای دین) [۱۵].

۴-۱-۲. شکل‌گیری دولت مدرن در تعارض بنیادین با عناصر هویت بخش سنتی مانند دین و قومیت

در پیمان وستفالی^۶ که پس از پایان جنگ‌های سی ساله مذهبی در اروپا (۱۶۴۸-۱۶۱۸ میلادی) میان کشورهای اروپایی در سال ۱۶۴۸ میلادی بسته شد، مرزهای دول مشخص شد. دو دستاورد فرهنگی مهم این پیمان عبارتند از:

۱. مفهومی به نام «دولت دیگر» به رسمیت شناخته شد. محدوده‌های سرزمینی اعمال قدرت مشخص گردید. پیش از این پیمان مفهومی به نام «ملیت» وجود نداشت و به جای آن مفهومی به نام «ممالک محروسه»^۷ رایج بود. پیش از پیمان وستفالی، ملت‌های کوچک می‌توانستند وجود داشته باشند، اما پس از آن عملاً دولت‌های بزرگ اجازه حضور به دولت‌های کوچک را نمی‌دادند.

1. Age of Enlightenment

۲. برای نمونه، ایمانوئل کانت (به آلمانی: Immanuel Kant) و هومبولت (به آلمانی: Friedrich Wilhelm Christian Carl Ferdinand von Humboldt) به عنوان مهم‌ترین چهره‌های روشنگری آلمانی معتقدند که نباید اساس تفکر را با دین شروع کرد، اما آن را نفی هم نباید کرد [۱۵].

۳. برای نمونه، دنی دیدرو (به فرانسوی: Denis Diderot) و ژان لورون دالامبر (به فرانسوی: Jean le Rond D'Alembert) به عنوان مهم‌ترین چهره‌های روشنگری فرانسوی معتقدند که دین خرافه است و باید با آن مقابله کرد [۱۵].

۴. از اوایل قرن شانزدهم میلادی [۱۷].

۵. ارتباط کلاسیک با شمال آفریقا و ارتباط امپراتوری اتریش مجارستان با عثمانی [۱۵].

6. Peace of Westphalia

7. kingdom

۲. هویت‌هایی با محوریت دوگانه جغرافیا-سیاست شکل گرفت. مفهوم «کشور» به شکل جدید آن متولد شد (جغرافیا-سیاست). پیش از آن مفهوم «سرزمین»^۱ وجود داشت. پیش از پیمان وستفالی، تقسیم‌بندی‌ها براساس قومیت و سرزمین بود. در پیمان وستفالی این امر به سیاست-سرزمین تغییر یافت. اما این اتفاق خلئی به نام «انسان‌زدایی شدن»^۲ را به وجود آورد. بنابراین باید الگویی طراحی می‌شد تا دسته‌های انسانی را که با محوریت عناصر مختلف سنتی هویت‌بخش مانند قومیت، دین و مذهب از هم جدا شده بودند و یا با شباهت در این عناصر به هم نزدیک شده و جوامعی را شکل داده بودند، ذیل یک جغرافیا و حکومت سیاسی تعریف کرده و یا از گستره سرزمینی جدا کنند. به عبارتی بعد از پیمان وستفالی قومیت، دین، مذهب و دیگر عناصر هویت‌بخش سنتی کارکرد خود را برای دولت‌ها از دست دادند و خودشان تبدیل به مسئله برای دولت‌ها شدند. بعد از این پیمان بود که مفهوم دولت-ملت متولد شد. ملت، مجموعه جمعیتی هم‌بسته‌ای بود که براساس دوگانه جغرافیا و نظام سیاسی کنار هم جمع شده بودند و هدف از دولت، نظامی بود که باید این هم‌بستگی و منافع جدید شکل گرفته برای این جمعیت نوظهور را حفظ می‌کرد [۱۵].

۵-۲. تحول نظام ارتباطات اجتماعی از ارتباطات سنتی به مدرن در جوامع اسلامی

ظهور مدرنیته، الزامات خاصی را در عرصه‌های مختلف اجتماعی، از جمله در تاروپود نظام ارتباطات اجتماعی در جهان ایجاد کرد. مدرنیته از سازوکارها و بسترهای متناسب با خود برای گسترش فرهنگ بهره می‌گیرد و در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی، ابزارهای نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری خاص خود را دارد. برای نمونه ایجاد شهرهای جدید در پیرامون کلان‌شهرها، فضای شهری معماری، چینش واحدها و ساختار شهری بر مبنای الزامات و معیارهای آن است و حتی مسجد در نظام شهری مدرن تعریف و جایابی می‌شود که بی‌تردید در این نوع شهر، مسجد به عنوان محور محله و جامعه طراحی و اجرا نمی‌شود. این در حالی است که در گذشته، مساجد و حتی حسینیه‌ها و هیئت‌های مذهبی به عنوان مراکز ارتباطات اجتماعی و منابع فرهنگ‌ساز عمل می‌کردند و اقتدار نهادهای مذهبی بر مناسبات اجتماعی و فضای شهری از نظر ریخت‌شناسی نیز چنان آشکار بود که مناطق مسکونی و مراکز خدماتی و تولیدی شهرها غالباً پیرامون یک سازمان مذهبی مانند حرم امامان (ع) یا نوادگان و فرزندان آنان و مساجد جامع شهرها شکل گرفته بود؛ به گونه‌ای که اگر از فضای بالا به بسیاری از شهرهای جوامع اسلامی نگاه می‌شد، محوریت حرم یا مسجد در آنها کاملاً مشهود بود [۱۹]. این محوریت مسجد و مکان دینی تنها به ظواهر محدود نمانده و در عمل نیز بسیاری از روابط متقابل انسانی و فرهنگ جامعه با محور آنها نظم و شکل می‌گرفت. اما امروزه با تنوع‌یابی ساخت‌های اجتماعی و شکل‌گیری مراکز ارتباط اجتماعی بیرون از مرکز دینی و نیز با گسترش مراکز رسانه‌ای رقیب از قبیل رادیو و تلویزیون، ماهواره، مطبوعات و شبکه‌های اجتماعی، پیام‌های فرهنگی و الگوهای معیشتی از منابع متعدد و متنوع به سوی جامعه سرازیر است [۲۰].

۲-۲. تغییر الگوهای مرجع

الگوهای مرجع تأثیر بسیاری بر شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد دارند. بخش عمده‌ای از سطوح درونی و بیرونی فرهنگ جوامع، مانند: ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها و نمادهای اجتماعی در واقع بازتابی از ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهایی است که الگوهای مرجع آن را تبلیغ و گسترش می‌دهند. افراد در تبعیت از الگوهای مرجع سعی در همانندسازی رفتار و اعتقادات خود با نمونه‌های ایدئال‌شان دارند [۲۱]. بررسی آماری پیمایش‌های موج اول (۱۳۷۹) تا سوم (۱۳۹۴) ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان نشان می‌دهد که میزان کمی مرجعیت مراجع اجتماعی و سیاسی سنتی مانند گروه‌های خانواده، علما و روحانیون، معلمان و اساتید دانشگاهی در طول زمان تغییر چندانی نداشته است. بر این اساس، همواره مرجعیت نهاد خانواده قریب به ۵۵ درصد، علما و روحانیون قریب به ۱۵ درصد، اساتید دانشگاه ۱۱ درصد و معلمان در حدود ۴ درصد بوده است [۲۲]، [۲۳] و [۲۴]. اما به اعتقاد برخی از تحلیل‌گران اجتماعی، بررسی مطالعات و گزارش‌های کیفی مانند تحلیل‌ها و پژوهش‌های مردم‌نگارانه، گویای این امر است که در دهه‌های اخیر به دلیل تحولاتی مانند تغییرات سبک زندگی، به‌ویژه برای نسل جوان، شیوه و الگوی تعامل با مراجع سنتی تغییر کرده و به تبع این تغییر الگوها، ارزش‌ها و هنجارهای تقلیدی نیز در نزد افراد جامعه تغییر یافته

1. Land

2. Dehumanization



است. برای نمونه، به اعتقاد این خبرگان، در دو دهه گذشته الگوی دینداری از روحانیت محوری به مداح محوری تغییری محسوس داشته و نقش مداحان در سبک‌های دینداری اقشار دیندار پررنگ‌تر شده و این امری است که می‌تواند در طول زمان منجر به تضعیف نهاد روحانیت به عنوان مرجع و ممر اصیل علوم، معارف و فرهنگ اسلامی شده و حیات نهاد مسجد را که هم‌بستگی مستقیمی با حیات نهاد روحانیت و حوزه علمیه دارد، به خطر بیندازد [۲۵] و [۲۶]؛ چرا که اساساً جایگاه امامت مسجد، شأنی از شئون روحانیت بوده و با تضعیف الگوی دینداری عالم‌محور، جایگاه امامت مسجد و در نتیجه نهاد مسجد تضعیف خواهد شد.

۲-۳. جدایی نهادهایی مانند قضا و تعلیم و تربیت از مسجد در فرایند پیچیده شدن تشکیلات حکمرانی

در عصر نبوی تا دوران حکومت بنی‌امیه تقریباً تمامی مسائل حقوقی و اختلافات میان مردم که نیازمند رسیدگی بود در مسجد صورت می‌گرفت و پیامبر اکرم (ص) در مسجد قوانین حقوقی وضع می‌کردند و برای مسجد و منبر، شأن ویژه حقوقی قائل شدند که از جمله آنها مراسم سوگند خوردن بود. «پیامبر (ص) مراسم سوگند خوردن در موارد حقوقی را کنار منبر، معمول ساخت و می‌فرمود: هر کس کنار منبر سوگند دروغ گوید، هر چند برای یک چوبه مسواک باشد، جایگاه او در آتش خواهد بود» [۲۷]. در مسجد اجرای حکم و حدود الهی انجام می‌شد. به طوری که امیر المؤمنین امام علی (ع) در گوشه‌ای از مسجد کوفه به امور قضا می‌پرداخت. در آن دوران، نظام قضایی مسلمانان فاقد پیچیدگی و تشکیلات خاص بود. اما اندک‌اندک با فرجه شدن تشکیلات سیاسی و به خصوص در عصر امویان و عباسیان، تحت تأثیر ممالک مفتوحه ایران، روم و مصر نهاد دادرسی دارای تشکیلات ویژه‌ای شد [۲۸].

امر تعلیم و تربیت نیز از ابتدای ظهور اسلام در جامعه اسلامی، با مسجد عجین شده بود؛ چنان که اولین آموزش‌ها و کلاس‌های درس در مسجد برپا می‌شد. بنا به روایات تاریخی، مساجد متعددی در قرون گذشته با عنوان مساجد دانشگاهی و یا حوزه‌های علمیه شناخته می‌شدند. از این رو است که حوزه‌های علوم دینی و مساجد، تا پیش از قرن سوم هجری همواره در کنار یکدیگر ساخته می‌شدند [۲۹]. این سنت نیکو، حتی در دوران معاصر در برخی مدارس دینی نیز لحاظ می‌شود؛ مانند مدارس عصر قاجاریه در ایران [۳۰].

اگر چه دلایلی برای جدایی نهادهایی مانند نهاد تعلیم و تربیت و نهاد قضا از مسجد بیان می‌شود، اما به هر نحو این جدایی تدریجی و کامل که بار خدادهایی مانند شکل‌گیری دولت مدرن در ایران و شکل‌گیری نظام آموزشی متناظر با وضعیت مدرن شدت یافت، موجب شده که جایگاه نهاد مسجد در بافت ارتباطات اجتماعی در بستر تمدن و جوامع اسلامی تحت تأثیر قرار گیرد؛ خاصه آنکه پس از انقطاع کامل این نهادها از مسجد، هیچ ارتباط ساختاری، ولو حداقلی و تنظیم شده، برای مثال میان این شکل نوین حقوقی و تعلیم و تربیت با مسجد ترسیم و برقرار نشد. به عبارت دیگر، یکی از حوزه‌های مؤثر ارتباطی مسجد و جامعه، حضور همین نهادها در مسجد بود که می‌توان گفت؛ تمامی سطوح آنها از مسجد جدا شده و بدون لحاظ کردن زمینه‌های ارتباطی ممکن برای آن، نقصانی در وجه اجتماعی مسجد ایجاد شد.

۲-۴. گذار از مناسک و آیین‌های دینداری اولیه به مناسک و آیین‌های ثانویه

به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران حوزه دین، دینداری ایرانیان در دهه‌های اخیر از آیین‌ها و مناسک اولیه (مانند نماز، روزه، حج) به مناسک و آیین‌های ثانویه (مانند پیاده‌روی اربعین، جشن ۱۰ کیلومتری غدیر، عزاداری دهه‌های محسنیه و فاطمیه) تغییر شکل داده و گذار از دینداری حول مناسک اولیه به دینداری حول مناسک ثانویه، کانون دینداری را از مسجد به حسینیه و زیارتگاه تغییر داده است و این امر می‌تواند به عاملی برای تهدید جایگاه نهاد مسجد بدل شود. این در حالی است که برای مثال در دوران قاجار، مساجد اصلی‌ترین مکان برای عزاداری در بازار بودند [۳۱]. البته لازم به ذکر است که آمارهای کمی موجود نیز می‌تواند مؤید این تحلیل باشد. در این رابطه آمارهای مربوط به عزاداری و حضور در نماز جماعت، براساس گزارش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۴۰۲ در جدول ۱ و تعداد آمار زائران ایرانی اربعین در سال‌های اخیر در جدول ۲ ارائه می‌شود. براساس این آمار، طی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۵ در عین رشد اندک میزان تمایل حضور ایرانیان در نماز جماعت، میزان تمایل به شرکت در مناسکی مانند عزاداری‌ها و همچنین تمایل شرکت در پیاده‌روی اربعین رشد چشمگیری داشته است.

جدول ۱. تغییرات برخی شاخص‌های دینداری ایرانیان از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۵

شاخص‌ها	گزینه‌های پاسخ	۱۳۷۴	۱۳۷۹	۱۳۸۱	۱۳۸۴	۱۳۸۸	۱۳۹۰	۱۳۹۵	شیب رگرسیون
نماز جماعت	همیشه/اکثر اوقات/ گاهی	۴۴/۱	۵۱/۱	۴۷	۶۲/۹	۴۹/۸	۵۴/۴	۵۳	+۰/۳۸
	هیچ‌وقت/به‌ندرت/کم	۵۵	۴۸/۹	۵۹/۲	۲۳	۴۹/۴	۴۵/۴	۴۷/۱	-۰/۱۴
شرکت در مراسم روضه	همیشه/اکثر اوقات/ گاهی	۵۶/۷	-	۷۴/۵	-	۷۵/۵	۷۴/۳	۷۳/۴	+۰/۷۳
	هیچ‌وقت/به‌ندرت/کم	۴۲/۱	-	۲۵/۵	-	۲۳/۲	۲۵/۵	۲۶/۲	+۰/۰۶

مأخذ: [۴۸].

جدول ۲. آمار زائران ایرانی آیین اربعین طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲

سال	تعداد زائران ایرانی
۱۳۹۳	یک میلیون و پانصد هزار نفر
۱۳۹۴	یک میلیون و هفتصد هزار نفر
۱۳۹۵	دو میلیون و دویست هزار نفر
۱۳۹۶	دو میلیون و سیصد و پنجاه هزار نفر
۱۳۹۷	دو میلیون و پانصد هزار نفر
۱۳۹۸	سه میلیون و هفتصد هزار نفر
۱۳۹۹	صفر
۱۴۰۰	هشتاد هزار نفر
۱۴۰۱	سه میلیون و پانصد هزار نفر
۱۴۰۲	چهار میلیون و پنجاه هزار نفر

مأخذ: [۲۴].

۱. طی سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به علت همه‌گیری بیماری کرونا، پذیرش زائران خارجی در ایام اربعین حسینی (ع) توسط دولت عراق به حداقل رسید (مسجدی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در بغداد، <https://iraq.mfa.gov.ir/portal/NewsView-۱۳۹۹/۰۶/۲۴> ۶۱۰۲۴۲ (سایت سفارت جمهوری اسلامی ایران در بغداد)).

۳. علل سیاستی - تقنینی تحقق کارکرد اجتماعی مساجد در ایران

منظور از علل سیاستی - تقنینی، علل و موانعی هستند که مستقیماً ناشی از اعمال یا عدم اعمال اراده دولتی^۱ (دولت به معنی اعم) در حوزه مزبور است. همان طور که بیان شد، مهم ترین علت مربوط به زمینه که خصلتی فراحاکمیتی دارد، گذار از سنت و الگوهای سنتی به مدرنیته و الگوهای مدرن است. اما مسئله اصلی این بخش علاوه بر سؤال از چالش های عمومی حکمرانی در راستای احیا و تحقق کارکرد اجتماعی نهاد مسجد، نحوه مواجهه و عملکرد این دستگاه با موانع و علل مربوط به زمینه مذکور است.

۳-۱. ابهام در حدود و نحوه مداخله دولت (به معنی اعم) در سیاستگذاری و قانونگذاری حوزه مسجد در جمهوری اسلامی ایران به طور کلی در زمینه مداخله دولت (حاکمیت) در حوزه مسجد دو نگاه کاملاً متفاوت وجود دارد^۲. «عده ای معتقد بر ضرورت عدم دخالت دولت به عنوان بازوی اجرایی حکومت در امر مسجد می باشند و این حضور را زمینه روگردانی و کاهش استقبال مردم در مدیریت و مشارکت فعال در مساجد می دانند. دلایلی را که این گروه برای صحت و تأیید نظرات خویش می آورند به طور خلاصه می توان چنین برشمرد: مسجد یک نهاد مدنی و غیردولتی است و غالب مساجد از صدر اسلام تاکنون توسط مردم و با شکل دهی کمک های نقدی و غیر نقدی و جاری ساختن سنت حسنه وقف بنا شده اند. در ادوار گذشته که مساجد در نهایت زیبایی و ظرافت ساخته می شد و مردم تمامی ذوق و سلیقه های خود را در مساجد به کار می بردند؛ دولت ها نقشی محوری در ایجاد یا کمک به آن نداشته اند (اگرچه مساجدی که در قالب مساجد سلطانی یا ارگ و ... مشهور بودند، توسط دولت ها ساخته می شدند، اما این امر بیانگر اهمیت و جایگاهی بود که مسجد در بین مردم دارا بود و شاهان و سلاطین سعی می کردند، از طریق ساخت مساجد تظاهر به تدین نموده و از احساسات مردم استفاده کنند). لذا وقتی مردم خودشان هزینه ساخت و نگهداشت مساجد را می پردازند تمایلی ندارند که در زمان بهره برداری، نهادهای دولتی و ... در مدیریت و اداره آن، چگونگی انتخاب ائمه جماعات و فعالیت و اجرای برنامه ها دخالت کنند. این عامل موجب کم میلی و عدم رغبت در ساخت و تجهیز مساجد می شود.^۳ در مقابل گروهی که موافق حضور محوری دولت در مسجد هستند، معتقدند که با توجه به گستردگی و وسعتی که مساجد در سطح کشور دارند، در توان مردم نیست (با توجه به شرایط معیشتی و وضع اقتصادی موجود) که بتوانند این حجم عظیم را ساخت و تجهیز و بازسازی نمایند. به همین علت ضروری است که دولت به کمک مساجد بشتابد. به اعتقاد این گروه، مردمی اداره شدن مساجد به معنای رها بودن همه امور مساجد نبوده و این نگرش که دولت هیچ گونه کمکی به این پایگاه های معنویت و انسان سازی نکند، نگرشی درست و عمیق به مقوله مسجد نیست. به اعتقاد آنان همین دیدگاه (مردمی اداره کردن مسجد) سبب شده تا برخی دستگاه های دولتی با مساجد معامله تجارت خانه ای کرده و پول آب و برق آن را هم به قیمت تجاری محاسبه کنند [۳۳]. برای مثال در امتداد این رویکرد در تاریخ ۱۳۹۴/۰۱/۲۳ طرحی با عنوان «حمایت از مدیریت، احداث، تجهیز و نوسازی مساجد و نمازخانه های کشور» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که طبق ماده (۲) آن، حمایت از مدیریت مساجد، اقدامات و امور مربوط به نگهداری، احداث، تجهیز، نوسازی و پیگیری امور نمازخانه ها بر عهده سازمان اوقاف و امور خیریه گذاشته شده بود، اما در تاریخ ۱۳۹۴/۰۲/۱۵ مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته شد.^۴

۱. سیاستگذاری در تعریفی، عبارت است از هر آنچه که حکومتی انتخاب می کند که انجام بدهد یا ندهد [۳۲].

۲. منظور از مداخله به معنای اعم است و اینکه اساساً رابطه بین حاکمیت و مسجد چگونه تعریف می شود. بنابراین ابدأ منظور از این واژه، رویکرد دولتی شدن مسجد نیست.

۳. برای مثال آیت الله مهدوی کنی (ره) در جمع ائمه جماعات مساجد تهران به مناسبت چهارمین سالگرد تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد می گویند: «بنده شنیده ام بعضی از آقایان با شهرداری یا وزارتخانه به طور مستقیم تماس گرفته اند و کمک می گیرند، این کار صحیح نیست. مساجد را وابسته نکنید زیرا در جریان های سیاسی بدهکار می شوید. استقلال روحانیت را حفظ کنید. اگر مساجد آباد نشوند، بهتر از این است که این طور آباد شوند. به عقیده بنده، در امور مساجد از مردم کمک بگیرید» [۱۳]. یا در ششمین گردهمایی ائمه جماعات تهران عنوان می کنند که: «... البته من با دولتی شدن مساجد و علما مخالفم. امام هم فرمودند که مساجد را وابسته به اوقاف نکنید. امام آینده نگر می کردند که مبادا این وابستگی ها سبب تضعیف علمای شیعه ای شود که آن آزادنشی و استقلال را داشتند و همواره حق را می گفتند» [۱۳].

و یا آیت الله مکارم شیرازی در تاریخ ۱۳۹۷/۰۳/۱۷ در پاسخ به نامه ای درباره «سند تحول پشتیبان مربوط به اساسنامه راهبردی ستاد هماهنگی کانون های فرهنگی هنری مساجد کشور»، تذکراتی در رابطه با ضرورت مردمی ماندن مساجد بیان داشتند. پاسخ ایشان به نامه مزبور چنین بود: «در مذهب شیعه مساجد همیشه مردمی بوده، امام جماعت و هیئت امنای آن سوی مردم انتخاب می شده و لازم است همچنان مردمی بماند و هیچ کس حق مخالفت با این کار را ندارد. دولتی کردن مساجد برخلاف مصلحت مسلمین است و باید از آن به شدت اجتناب شود» <https://noo.rs/f1U1N> (پایگاه اطلاع رسانی حوزه).

۴. در دلایل شورای نگهبان برای رد این مصوبه آمده است: «این مصوبه علاوه بر ابهامات و اشکالات عدیده ای که دارد، چون به موجب آن امور مربوط به مساجد به سازمان اوقاف و امور خیریه که وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می باشد واگذار شده، حال آنکه مقام معظم رهبری مدظله العالی در خصوص اداره امور مساجد امر به اقداماتی فرموده اند، لذا مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته شد».

در همین زمینه (تبیین رابطه حکومت و مسجد) عده‌ای دیگر قائل به سه رویکرد متمایز و متفاوت می‌باشند. رویکرد نخست رویکرد تمرکزی است. بدین معنا که در کشور، سازمانی به صورت مستقل برای حوزه مسجد تشکیل شود و متولی انجام همه امور مربوط به مساجد کشور اعم از احداث و تأمین نیروی انسانی و اداره امور جاری آن شود. رویکرد دوم این است که همین سیاق موجود در مدیریت مساجد کشور که در طی چهل سال گذشته بوده، ادامه پیدا کند. این دیدگاه به عدم تمرکز کامل قائل بوده و استدلال اصلی آن هم این است که همین مساجد با همین وضعیت در انقلاب نقش اصلی داشته‌اند و در همه صحنه‌های دیگر بعد از انقلاب هم دارای عملکرد موفقی بوده‌اند. رویکرد سوم بر ضعف‌هایی در وضع موجود مدیریت مساجد تأکید دارد و برای برطرف کردن آن به مدیریت نیمه‌متمرکز مساجد قائل است. بدین ترتیب که سیاستگذاری به صورت متمرکز صورت پذیرد، اما اداره مساجد در سطح اجرایی به صورت کاملاً غیرمتمرکز و با مشارکت کامل مردمی انجام شود. به عبارت دیگر، این رویکرد قائل به مشارکت عموم مردم و عموم دستگاه‌های کشور در مدیریت مساجد است. در این رویکرد مردمی بودن مساجد و مشارکت دولت در توسعه مساجد کشور نباید در تزاخم و تعارض یکدیگر قرار گیرد؛ بلکه دولت باید چنان در توسعه مساجد کشور مشارکت کند که مشارکت وی، باعث افزایش مشارکت مردم شود [۱۱].

براساس بررسی‌های انجام شده به دلیل عدم تهیه سندی سیاستی و بالادستی که بیانیه و مرام‌نامه سیاستی جمهوری اسلامی ایران را در اموری مانند نقش دولت،^۱ رویکرد مداخله دولت^۲ و سطح مداخله آن^۳ در قبال موضوع مسجد و اجزا و لوازم آن مشخص کند، دائماً در مواضع مختلف بین رویکردهای مزبور کشمکش به وجود آمده و مانع از شکل‌گیری خط سیر ثابت و پایداری در سیاستگذاری و قانونگذاری مسجد در جمهوری اسلامی ایران شده است.

۲-۳. آسیب غلبه رویکرد دفعی (در برابر رویکرد تدریجی) در سیاستگذاری حوزه مسجد

یکی از خطاهای محتمل شناختی و نسبتاً رایج در سیاستگذاری فرهنگی که عمدتاً ناشی از بی‌توجهی به الزامات سیاستگذاری در حوزه‌های نرم اجتماعی است؛ غلبه رویکرد دفعی، در برابر خصلت تدریجی سیاستگذاری در این حوزه بوده، در حالی که اساساً تغییر در حوزه‌های اجتماعی، نیازمند نوعی از استمرار و تدریج‌گرایی است. این نوع نگاه در فرایند ایجاد تغییرات فرهنگی و اجتماعی، به علت عدم تبیین صحیح از واقعیات اجتماعی و اقتضائات مسائل آن، انتظارات سیاستگذاران را به نوعی غیرواقع‌بینانه شکل می‌دهد. این امر در سیاستگذاری حوزه مسجد نیز به عنوان یکی از آسیب‌های رایج وجود دارد [۳۴]. برای مثال اساساً برنامه‌هایی موسوم به طرح‌های «محله مسجدمحور» و امثال آن که ثمردهی آنها به اذعان بسیاری از اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی و مسجد، نیازمند ایجاد تغییراتی بنیادین در الگوهای توسعه شهری است [۳۵]، [۳۶] و [۳۷]، سال‌هاست که از جانب نهادهای فعال در صحن مسجد پی‌جویی شده، اما به دلیل اینکه نسبتی با واقعیت کنونی توسعه شهری (که عمدتاً سیاست‌ها و برنامه‌های آن در شهرداری‌ها تنظیم می‌شود) و ساختارهای بیرونی و تأثیرگذار بر عملکرد مسجد ندارد، نتیجه‌ای متناسب با تلاش‌های صورت گرفته برای تحقق آن نمی‌دهد. در حالی که شواهد نشان می‌دهد که انتظار ارائه‌دهندگان چنین طرح‌هایی آن است که در مدت زمانی بسیار کوتاه، این طرح‌ها از سوی نهادهای مکلف شده تهیه و سپس توسط نهادهای مجری به اجرا درآید. حال آنکه تهیه طرحی موفق در زمینه ارتباط بین مسجد و محله، نیازمند پژوهش‌های پیشینی در زمینه‌های مختلف بیرون از مسجد، مانند علل انحلال نهاد محله در الگوهای توسعه شهری است که در آن نهاد مساجد در تعاملی تنگاتنگ با «شهر» و اجزای آن و به عنوان بخشی از آن دیده می‌شود.^۴

۱. نقش‌های تسهیل‌گر (Facilitator)، حامی (Patron)، معمار (Architect) یا مهندس (Engineer) [۱۱].

۲. رویکردهای خادمانه (Fidelity Approach)، بازدارنده (Preventative Approach)، اقتضایی (Situational Approach)، نظارتی (Supervisory Approach)، حمایتی (Supportive Approach)، ضمانتی (Guarantee Approach)، خنثی (Null approach) [۱۱].

۳. سطوح سیاستگذاری (Policy Making)، بسترسازی، پشتیبانی و برنامه‌ریزی (Planing)، اجرا (Implementation) [۱۱].

۴. برای نمونه، در یکی از احکام حوزه مسجد در قانون برنامه هفتم توسعه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف شده است که به همراه برخی از دستگاه‌های فعال در صحن مسجد، به منظور مردمی‌سازی فعالیت‌های فرهنگی و استفاده از ظرفیت مساجد، طرحی با عنوان طرح «مسجدمحوری» را ظرف مدت سه ماه پس از لازم‌الاجرا شدن قانون، تهیه و به تصویب هیئت‌وزیران برساند. این درحالی است که به اذعان کارشناسان، تهیه چنین طرحی، نیازمند پژوهش‌های زمینه‌ای و ایجاد تغییراتی در الگوهای توسعه‌ای بوده و مدت پیشنهادی مذکور بسیار کم است و قانون مزبور در این مدت اجرایی نمی‌شود [۳۸].



۳-۳. چیره شدن انگاره آسیب‌زای «دولت خادم-ملت مخدوم»^۱ بر برخی از شئون حیاتی مسجد

یکی دیگر از چالش‌های فراگیر سیاستگذاری مسجد، چیره شدن انگاره «دولت خادم-ملت مخدوم» بر برخی از شئون حیاتی نهاد مسجد است. برای توضیح بیشتر، به یکی از عرصه‌های رایج گسترش آن، یعنی موضوع انتخاب ائمه جماعات مساجد، از طریق مقایسه بین الگوی سنتی و الگوی جدید، پرداخته خواهد شد.

شیوه سنتی انتخاب ائمه جماعات مساجد در ایران که برآمده از بطن فرهنگ اسلامی و شیعی و مؤید علمای تشیع در ادوار تاریخی مختلف بوده، آن است که امام جماعت مسجد کاملاً متکی بر کنشگری فعال نمازگزاران انتخاب می‌شد. برای نمونه و براساس گزارش‌های تاریخی موجود، نمازگزاران مساجد با مراجعه به مراجع تقلید و یا علمایی که در هر منطقه دارای محوریت بودند، برای مسجد خود درخواست امام جماعت می‌کردند و یا در هر محله، یکی از عالمان آن محل که به زهد و تقوا و گره‌گشایی از امور مردم مشهور بود، به‌عنوان امام جماعت مسجد و محله توسط مردم انتخاب می‌شد [۲۶] و [۲۹]. در همه صورت‌های سنتی انتخاب ائمه جماعات مساجد، «عنصر کنشگری فعال مأمومین» یکی از عناصر تعیین‌کننده در انتصاب و نگهداشت امامان جماعات بود که البته همان‌طور که بیان شد، این شیوه انتصاب امام جماعت و مقبولیت و خواستی عمومی که زمینه و پیش‌شرط لازم آن بود، کاملاً همخوان با معارف اسلامی و شیعی نیز است و این شیوه برکات و ثمرات منحصر به فرد خود را داشت. برای نمونه، مقبولیت و خواست عمومی و برآمدن امام از دل مردم و نمازگزاران، مقدمه بسطید آن امام برای رتق و فتق سایر امور اجتماعی مردم را نیز فراهم می‌کرد و به‌وی این اجازه را می‌داد که در سایر امور اجتماعی و پیرامونی مسجد، که بازار و محله حول آن شکل می‌گرفت، مداخله کرده و به‌نوعی امام جماعت، تبدیل به «امام محله» می‌شد و با زندگی اجتماعی مردم عجین می‌گردید. گزارش‌های تاریخی از برگزاری دروس فقه تجارت برای بازاریان پیرامون مساجد، توسط علما و مراجع تقلید در گذشته و یادآوری بین مردم محل در منازعات بین آنها، حاکی از این امر است [۳۱].

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و توجه نظام جمهوری اسلامی ایران به نهادهای دینی مانند مسجد و حوزه علمیه، به‌دلیل صبغه غالب دینی انقلاب اسلامی و تلاش برای ایجاد نوعی از بهینگی در فعالیت این نهادها، تعداد قابل توجهی از دستگاه‌ها ناظر بر مسجد شکل گرفت، که یا به شکل مستقیم در مسجد حضور داشتند و یا مسجد بخشی از حیطه عملکردی آنها محسوب می‌شد. برخی از این دستگاه‌ها عبارتند از: سازمان بسیج مستضعفین، کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه و مرکز رسیدگی به امور مساجد. هر کدام از این دستگاه‌ها، به‌نوعی و با سطوح مختلفی، مداخله در یک یا چند بخش و یا شأن از نهاد مسجد را به‌عنوان کارویژه خود تعریف کرد و در مواردی خود این دستگاه‌ها به تقسیم کار در این رابطه پرداختند. البته لازم به ذکر است که منظور از مداخله، صرفاً کفالت تام و کامل نیست، بلکه در بسیاری از موارد، فقط تهیه مقدمات اولیه امور بود. اما آنچه که در عمل اتفاق افتاد، به‌علت کلان‌روندهای بیرونی مؤثر بر نهاد مسجد مانند تضعیف و انحلال نهاد محله، نادیده گرفتن نهاد مسجد در سیاست‌های توسعه شهری و ضعیف شدن حوزه‌های علمیه و البته در کنار ساختارسازی‌های درونی مسجد، اندک‌اندک این ساختارها در اتمسفر مسجد (هم‌نزد خود دستگاه‌ها و هم‌نزد نمازگزاران) به‌عنوان «متولی» جریانات و شئون مسجد تلقی شده و این انگاره در ذهن سیاستگذاران و نمازگزاران به‌وجود آمد که ساختارهای مزبور، «متولی» امور مسجد و ارائه‌دهندگان خدمات به نمازگزاران در صحن مسجد بوده و نمازگزاران نیز دریافت‌کنندگان این خدمات یا «مخدومین» مسجد هستند. در نتیجه و از این رهاورد، عنصر اصلی پیش‌گفته، یعنی کنشگری فعال نمازگزاران در بخش‌های مختلف مسجد، از جمله در انتصاب امام جماعت، رو به افول گذاشت و بخشی از برهم‌خوردن نظم سنتی و اصیل انتخاب و نگهداشت امام جماعت به‌وقوع پیوست.

از طرف دیگر، سیاست رسمی دستگاه‌های مسئول در امر امامت جماعت مساجد نیز به‌درستی، عدم مداخله تمام‌عیار و عدم انتخاب مستقیم امامان جماعات بود. امری که همواره از سوی مراجع عظام تقلید نیز با عنوان اجتناب از دولتی شدن مسجد، حراست می‌شد.^۲ عدم تدوین و

۱. در این رویکرد و نوع تلقی، دولت خادم فرهنگ است. به‌تعبیری دیگر، می‌توان از آن با عنوان رویکرد وفادارانه نیز نام برد؛ چراکه در چنین برداشتی، دولت وظیفه دارد در راستای اجرای کامل اهداف فرهنگی، مطابق با جزئیاتی که تعیین شده است، بکوشد. در این رویکرد، حکومت در کلیه امور فرهنگی وارد می‌شود و نقش تأمین مالی و تصدی‌گری را در حد امکان و وسیع خود برعهده می‌گیرد. به‌بیان دیگر، این دیدگاه قائل به تصدی تمام‌عیار دولت نسبت به فرهنگ دینی است. براساس این رویکرد، دولت باید با اقتدار خود بتواند نسبت به مسائل دینی تصمیم‌گیری و خود در تولیدات فرهنگ دینی نقش ممتاز و اصلی را ایفا کند [۱۱].

۲. برای نمونه: رک. دیدار آیت‌الله عظمی مکارم شیرازی با اعضای ستاد هماهنگی کانون‌های مساجد و توصیه ایشان برای جلوگیری از دولتی شدن نهاد مسجد Bzn.ir/۶۴۵۸۵ (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه).

تهیه سندی سیاستی در این امر، شاهدی بر عدم مداخله تام و مستقیم دستگاه‌های مزبور در انتخاب امام جماعت است. بنابراین، نتیجه این فعل و انفعالات، به وجود آمدن فضایی خالی از هرگونه اراده، اعم از دولتی و یا مردمی بود و در عمل، نه نمازگزاران اراده‌ای برای انتصاب امام جماعت داشتند و نه دستگاه‌های حاکمیتی به خود اجازه ورود به این حیطه را به صورت رسمی می‌دادند. در نتیجه ضعفی شدید در نهاد امامت جماعت مساجد در کشور پدید آمد.

همان‌طور که بیان شد، به دلیل ملاحظه پیش گفته در دستگاه‌های مزبور، هیچ سندی بالادستی در زمینه فرایند تعیین امام جماعت مساجد که حدود مداخله دستگاه‌ها را معین کند، وجود ندارد و همین امر اتفاقاً موجب به وجود آمدن شیوه‌های مختلف مداخله‌های مستقیم دستگاه‌ها در نصب و عزل ائمه جماعات شده است. گفتنی است که براساس مصاحبه‌ها و مشاهده‌های صورت گرفته،^۱ با اغماض‌هایی شیوه‌های فعلی انتصاب ائمه جماعات را می‌توان در انواع ذیل دسته‌بندی کرد که البته باز هم آمار مربوط به هریک در دسترس نیست:

الف) دسته اول مساجدی هستند که در هدایت معنوی و پشتیبانی از سوی برخی از علما و یا مراجع عظام قرار دارند. امام جماعت این‌گونه مساجد یا خود ایشان هستند و یا از طریق این علما معرفی و منصوب می‌شوند.^۲

ب) دسته دوم مساجد موقوفه هستند که در تولیت اشخاص و خانواده‌ها قرار دارند و از زمان‌های گذشته تاکنون نیز توسط وراثت آنها اداره و پشتیبانی می‌شوند. معمولاً امام جماعت این مساجد نیز توسط آنها انتخاب و مشغول به فعالیت می‌شود. این‌گونه مساجد توسط عموم مردم ساخته نمی‌شود، بلکه معمولاً یک فرد خیر از طریق وقف زمین و با دارایی خویش آن را می‌سازد و خودش به عنوان متولی، یا فردی از طرف وی اداره آن مسجد را برعهده می‌گیرد.^۳ هرگاه مسجد دارای موقوفاتی باشد و واقف برای آن متولی یا ناظری تعیین کند، تعیین او در این زمینه کاملاً دارای اعتبار شرعی است؛ زیرا مفاد قاعده «الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها» [۳۹] بی‌هیچ اشکالی موقوفات مسجد را نیز همچون دیگر موارد وقف، شامل می‌شود [۳۳].

ج) دسته سوم مساجد تاریخی هستند که تحت نظارت وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی قرار دارند. ائمه جماعات این‌گونه مساجد با نظر و هماهنگی این وزارتخانه انتخاب می‌شوند.^۴

د) دسته چهارم مساجدی هستند که در محدوده مالکیت و مدیریت برخی از نهادها و دستگاه‌های اجرایی نیروهای نظامی، انتظامی، مراکز آموزشی، تجاری، صنعتی و تولیدی قرار دارند که به‌طور طبیعی انتخاب ائمه جماعات آنها نیز با هماهنگی آن مراکز صورت می‌گیرد.

ه) دسته پنجم مساجد عمومی هستند. در کنار مساجد ذکر شده در بالا، تعدادی از مساجد در کشور وجود دارند که به مساجد عمومی و محلی معروف بوده و این‌گونه از مساجد از نظر کمی، اکثریت قریب به اتفاق مساجد را در گستره کشور تشکیل می‌دهند و آنها نیز از سوی مردم و در قالب هیئت‌امنا مدیریت می‌شوند. این مساجد توسط مردم ساخته می‌شوند و کلیه مراحل ساخت و نگهداری آن با نظارت و مدیریت مردم انجام می‌گیرد. این‌گونه مساجد یا ممکن است دارای موقوفات خاص خودشان باشند که از درآمد حاصل از آن برای ساخت و نگهداری مساجد استفاده می‌شود و یا ممکن است بدون موقوفه بوده و از طریق کمک‌های مردمی اداره شوند.

گفتنی است که در کنار دسته‌بندی مذکور، دسته‌بندی دیگری ناظر بر فعالیت دستگاه‌های فعال در صحن مسجد در زمینه تعیین امام جماعت مساجد می‌توان ارائه کرد. اول اینکه، در استان‌هایی که مرکز رسیدگی به امور مساجد وجود دارد (مانند استان‌های تهران، مشهد، البرز و اصفهان)، عمدتاً امام جماعت مساجد در فرایندی تعاملی بین نمازگزاران (یا در مواردی هیئت‌امنا) و این نهاد تعیین می‌شود. به این نحو که نمازگزاران و یا هیئت‌امنا به نمایندگی از ایشان، با مراجعه به مرکز رسیدگی به امور مساجد، درخواست امام جماعت برای مسجد خود می‌کنند و این مرکز نیز امام جماعت را تعیین می‌کند. البته ممکن است که در برخی از موارد، به دلایلی مانند عدم مراجعه نمازگزاران، نقش تعیین امام جماعت توسط مرکز رسیدگی پررنگ‌تر باشد. اما در استان‌ها و شهرستان‌هایی که مرکز رسیدگی به امور مساجد وجود ندارد، یا امامت جمعه

۱. نامه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پیرامون موانع سیاستی - تقنینی تحقق کارکرد اجتماعی نهاد مسجد در جمهوری اسلامی ایران. مخاطب نامه: دستگاه‌ها و اندیشمندان حوزه مسجد، ۱۴۰۲، ۸۲، ۱۶۲۰۰/۱۱۱۰۱ ص ۲.

۲. مانند مسجد و حسینیه همدانی‌ها که امامت آن را حجت‌الاسلام شیخ حسین انصاریان به عهده داشته و در منطقه ۱۲ تهران قرار دارد و یا تکیه و مسجد نیاوران به امامت مرحوم آیت‌الله سیدحسن سعادت مصطفوی که در منطقه نیاوران شهر تهران واقع شده است.

۳. مانند مسجد حضرت ابوذری که در منطقه ۱۷ شهر تهران قرار دارد و یا مسجد مدرسه سیه‌سالار (مدرسه عالی شهید مطهری (ره)) که امامت آن را مرحوم آیت‌الله امامی کاشانی به عهده داشتند.

۴. مانند مسجد مشیرالسلطنه (مسجد الاقصی) که در محله امیریه‌تدر تهران واقع شده است.



آن شهر و یا اداره سازمان تبلیغات اسلامی آن، در فرایندی تعاملی با نمازگزاران، اقدام به تعیین امام جماعت می‌کند. دوم اینکه، در اغلب موارد نوعی از تعامل بین امامت جمعه شهر و سازمان تبلیغات اسلامی آن وجود دارد. برای نمونه در برخی از شهرها، امام جمعه این مسئولیت را کاملاً به سازمان تبلیغات اسلامی واگذار کرده است. در نهایت در دسته سوم، الگوی سنتی تعیین امام جماعت مساجد حکم فرماست که البته با بررسی‌های صورت گرفته، این دسته کمترین تعداد افراد را داراست. اما در نهایت و در جمع‌بندی می‌توان به این امر اذعان کرد که هیچ روند ثابتی برای تعیین امام جماعت مساجد در کشور وجود نداشته و در این زمینه نیز سندی بالادستی وجود ندارد. در نتیجه این آشفتگی، زمینه مداخله مستقیم برخی از دستگاه‌ها را فراتر از سیاست رسمی آنها در برخی از استان‌ها، شهرها و شهرستان‌ها فراهم کرده که با اصل استقلال نهاد مسجد به عنوان اصل اساسی دینی و کلان سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال نهاد مسجد، در تنافی است.

۴-۳. تعدد سازمان‌های متولی امور مسجد و عدم توازن هندسی این دستگاه‌ها نسبت به هم

بررسی‌های کارشناسی در اسناد سیاستی و تقنینی دستگاه‌ها و سازمان‌های مرتبط با نهاد مسجد،^۱ بررسی گزارش‌ها و مطالعات سیاستی انجام شده^۲ در موضوع مسجد و مصاحبه عمیق با خبرگان حوزه سیاستگذاری و قانونگذاری این نهاد،^۳ نشان می‌دهد که در حال حاضر قریب به ۲۴ نهاد و سازمان به صورت مستقیم و غیرمستقیم و در سطوح مختلف با نهاد مسجد در ارتباط هستند.^۴ بررسی‌ها نشان می‌دهد که این سازمان‌ها و نهادها به صورت پراکنده، منفک از هم و بدون انسجام و هماهنگی در سطوح مختلف در مسجد فعال می‌باشند که به دلیل فقدان برنامه‌های کلان راهبردی مشخص و نیز تعدد مراکز تصمیم‌گیری و شیوه‌های اجرایی ناهماهنگ غیرفراگیر و همچنین پراکندگی منابع مالی و امکانات موجب شده که قدرت اثرگذاری مطلوب را از دست داده و نه تنها قدم‌های اساسی و چشمگیری در جهت ارتقای جایگاه حقیقی مساجد برداشته نشود، بلکه با برنامه‌هایی مشابه و متعارض و اجرای ناهماهنگ فعالیت‌ها، اسباب عدم شکوفایی ظرفیت مردمی نهاد مسجد و دستیابی آن به جایگاه واقعی خود را به وجود آورده است. به عبارت دیگر، با مطالعه وضعیت فعلی مساجد کشور و بررسی نظام حاکم بر آنها این نتیجه به دست می‌آید که مساجد کشور، فاقد نظامی جامع، پویا و منعطفند [۱۳].

شواهد حاکی از آن است که به لحاظ شناختی، مسئله موردنظر توسط سیاستگذاران این دستگاه‌ها درک شده است. برای مثال، براساس اسناد متأخر کانون‌های فرهنگی هنری مساجد و همچنین مصاحبه‌های اختصاصی صورت گرفته،^۵ اصلی‌ترین راهکاری که سیاستگذاران این کانون‌ها برای حل مسئله مزبور در نظر گرفته‌اند، مشارکت دادن اعضای اصلی سایر نهادهای فعال در صحن مسجد، در ساختار و ارکان کانون است. بدین نحو که جهت تأسیس کانون، امام جماعت هر مسجد و یا رئیس هیئت امنای مسجد (در صورت نداشتن امام جماعت) باید درخواست اخذ مجوز کانون را ثبت کرده و سپس امام جماعت و یا رئیس هیئت امنای باید ارکان کانون را معرفی کند. این ارکان عبارتند از: امام جماعت، هیئت مؤسس (مجمع عمومی مؤسسان)، مدیر مسئول و بازرس. اعضای هیئت مؤسس نیز شامل امام جماعت، یک نفر عضو هیئت امنای مسجد، فرمانده پایگاه بسیج مسجد، دو نفر ذی صلاح فرهنگی و هنری به انتخاب امام جماعت می‌شوند [۴۰]. سیاستگذاران از این طریق به نحوی همه فعالین حوزه مسجد را در مدیریت کانون مسجد سهیم کرده و بدین نحو به دنبال ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی و دوری از آسیب‌هایی مانند موازی‌کاری و تقابل بودند. بر این اساس، بسیج، مرکز رسیدگی به امور مساجد (نهاد نمایندگی ولی فقیه) و کانون‌ها که بازیگران اصلی فرهنگی هنری در صحن مساجد هستند، در امر مدیریت کانون‌ها در میدان مسجد سهیم شده‌اند. این امر به اذعان سیاستگذاران کانون‌ها در ستاد موجب

۱. در گزارش حاضر تلاش شد که همه دستگاه‌هایی که در نظم حقوقی کنونی جمهوری اسلامی ایران به هر اندازه (کم یا زیاد) مرتبط با نهاد مسجد بوده، استخراج شده و اسناد بالادستی این دستگاه‌ها، قوانین، سیاست‌ها و تکالیف و مسئولیت‌هایی که در قبال این نهاد به عهده دارند، مورد بررسی و مذاکره قرار گیرد.

۲. اعم از گزارش‌های سیاستی و تقنینی دستگاه‌های متولی امر مسجد مانند سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه، شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، سازمان بسیج مستضعفین و ... و پژوهش‌های دانشگاهی (اعم از مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و کتب) و گزارش‌های نظارتی، سیاستی و تقنینی دستگاه‌های نظارتی، سیاستگذار و قانونگذار مانند مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سازمان برنامه و بودجه کشور، دیوان محاسبات کشور و ...

۳. پیرو گزارش حاضر، جلسات متعددی با خبرگان حوزه سیاستگذاری مسجد (دانشگاهی و غیردانشگاهی) و دستگاه‌های متولی این حوزه مانند سازمان اوقاف و امور خیریه، مرکز رسیدگی به امور مساجد، سازمان بسیج مستضعفین، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، سازمان تبلیغات اسلامی، ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، ستاد اقامه نماز و ...، پیرو نامه‌هایی به شماره‌های ۸۲-۱۶۲۰۰/۳۲۲۳، ۸۲-۱۶۲۰۰/۱۱۱۰۷ و ۸۲-۱۶۲۰۰/۱۶۲۰۰ در محل مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و دستگاه‌های مذکور برگزار شد.

۴. برخی از بی‌واسطه‌ترین سازمان‌های فعال در صحن مسجد عبارتند از: مرکز رسیدگی به امور مساجد، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه، ستاد اقامه نماز، ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، سازمان بسیج مستضعفین، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی حوزه‌های علمیه، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شورای اسلامی شهر، شهرداری‌ها، شورای سیاستگذاری ائمه جمعه کشور و ... (Bzn.ir/zfa۰۶۲ پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه).

۵. نامه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پیرامون ارزیابی عملکرد کانون‌های فرهنگی هنری مساجد. مخاطب نامه: ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، ۱۴۰۲، ۳۷۹۵، ص ۲.

ایجاد تعاون و همکاری لازم بین نهادهای مذکور در صحن مسجد شده است. اما گفتنی است که این مدعا به وسیله داده‌های تجربی لازم از طرف ایشان به اثبات نرسیده و بلکه مشاهدات و اظهارات کارشناسان حوزه مسجد، گویای امری خلاف این مدعا است [۴۱].

همچنین برای نمونه در حوزه مخاطب دستگاه‌های فعال در صحن مسجد، دو پرسش را می‌توان مطرح کرد. پرسش اول اینکه به چه میزان هویت کارکردی ساختارهای موجود در مسجد، مجزا و کارآمد است؟ و پرسش دوم اینکه چقدر افراد و اعضای هر کدام از این ساختارها، هویتی مجزا از اعضای دیگر ساختارهای موجود در صحن مسجد دارند؟ لذا شناخت این امور وابستگی تنگاتنگی به «میدان» داشته و برای توصیف و ارزیابی آن به میزان بالایی به داده‌های میدانی و همچنین روش‌های سنجش کیفی و شاخص‌هایی از جنس کیفی نیاز است؛ همچنین ارائه ارزیابی جامع و همه‌جانبه از آنها در ارزیابی سطح میدانی، مانند ارزیابی از منظر مجریان خرد میدان امکان‌پذیر است. برای نمونه آیا کانون‌های فرهنگی هنری مساجد در عمل و در صحن مسجد، ساختار هویتی متمایزی (به لحاظ کارکردی) دارند یا خیر؟ و آیا اعضای این ساختار نسبت به اعضای سایر نهادهای فعال در مسجد، هویتی متمایز داشته و برای مثال می‌توان افرادی را با هویت اصطلاحاً «کانونی» در کنار سایر هویت‌ها و متمایز از هویت‌هایی مانند «بسیجی»‌ها دانست؟

برای پاسخ دادن به پرسش اول، باید ابتدا به این سؤال پاسخ داد که برای نمونه اساساً کارکرد ویژه ساختاری مانند کانون‌های فرهنگی هنری مساجد در کشور و تمایز کارکردی این کانون‌ها با سایر نهادها مانند سازمان بسیج مستضعفین چیست؟ به اعتقاد مسئولین ستاد هماهنگی کانون‌ها،^۱ کارویژه اصلی و تمایزبخش این نهاد در صحن مسجد، پرداختن به دو حوزه فرهنگ و هنر است. آنها معتقدند که کانون‌ها متولی این دو حوزه در میدان مسجد هستند (معاون هماهنگی ستاد، ۱۳۹۰/۱۰/۲۳).^۲ اما در اسناد بالادستی کانون‌ها، مانند اساسنامه ستاد و حتی در سندی متأخر مانند سند تحول راهبردی ستاد، اهداف و اموری متعدد و البته مبهم در حوزه‌های تربیتی، تشکیلاتی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای این کانون‌ها ذکر شده است و این امر باعث می‌شود که عملاً کانون‌ها خود را متولی امور و حوزه‌های متنوع و متکثری در صحن مسجد دانسته و این امر در نهایت موجب خلط کارکردی با سایر نهادها مانند نهاد بسیج می‌شود (برای نمونه، رک به اساسنامه ستاد، ماده (۲) فصل اول، بخش «اهداف»). این اختلاط کارکردی بدان علت است که به طور هم‌زمان نهادی مانند سازمان بسیج مستضعفین نیز خود را متولی همان حوزه‌ها در مسجد می‌داند (رک به اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مصوب ۱۳۶۱/۰۶/۱۵، فصل چهارم، اساسنامه واحد بسیج مستضعفین، ماده (۴۱)). لذا به رغم اینکه تلاش‌هایی مانند دخیل کردن سازمان بسیج، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، مرکز رسیدگی به امور مساجد در شورای نظارت و اعضای هیئت مؤسس کانون مساجد صورت گرفته (رک به اساسنامه ستاد، ماده (۵) و ماده (۱۱) فصل دوم)، اما اساساً اختلاط کارکردی هنوز هم در سطح نهادی وجود داشته است [۴۱] و این سؤال بنیادین، به صورت جدی وجود دارد که تمایز کارکردی کانون‌ها با نهادی مانند سازمان بسیج چیست؟ زیرا سازمان بسیج نیز حوزه فعالیت‌های خود را محدود نکرده و در عمل ذیل وظایف بسیار گسترده خود، حوزه‌های فرهنگ و هنر را نیز جای می‌دهد. براساس بررسی‌های صورت گرفته در اسناد بالادستی مربوط به کانون‌ها تمایز کارکردی شاخصی که به وجود آورنده هویتی مستقل و متمایزکننده در سطح نهادی و ساختاری بین سایر نهادهای فعال در مسجد باشد، وجود ندارد. این عدم تمایز کارکردی و ابهام در سطح نهادها (به خصوص کانون‌ها و بسیج) موجب اختلاط شدید کارکردی و عدم تمایز هویتی در بین نهادها خواهد شد.

برای پاسخ به پرسش دوم نیز باید به این سؤال پاسخ گفت که آیا اساساً در متن مساجد، مخاطب هر کدام از ساختارها با دیگر ساختار متفاوت و متمایز است؟ برای مثال، باید بیان کرد که در اسناد بالادستی مربوط به کانون‌ها، این تمایز و تفاوت پیش فرض گرفته شده است. به این معنی که گویا سیاستگذاران، حین تدوین اسناد مربوط به کانون‌ها، پیش فرض داشته‌اند که برای مثال در صحن مساجد، دو دسته مخاطب وجود دارد که برخی ذیل ساختار کانون‌ها بوده و به اصطلاح «کانونی» و برخی ذیل ساختار بسیج بوده و اصطلاحاً «بسیجی» هستند و هر کدام از این دسته‌ها از تشکیلات مربوط به خود در حال بهره‌مندی بوده و در قالب‌های موردنظر در حال ایفای نقش هستند. اما به نظر می‌رسد که پاسخ به این پرسش به سادگی میسر نیست و مستلزم پژوهش‌های میدانی است.

۱. «ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کشور» سیاستگذار و مدیر مجموعه کانون‌های فرهنگی هنری مساجد بوده که اساسنامه آن در جلسه ۸۰۷ مورخ ۱۳۹۷/۲/۱۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید.

۲. نامه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پیرامون ارزیابی عملکرد کانون‌های فرهنگی هنری مساجد. مخاطب نامه: ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، ۱۴۰۲، ۳۷۹۵، ص ۲.



در جمع‌بندی باید بیان کرد که تاکنون هیچ سند و یا قانونی جهت سامان‌بخشی و انسجام‌دهی به دستگاه‌ها و سازمان‌های متعدد و متشتت فعال در مسجد به تصویب مراجع سیاستگذاری و قانونگذاری نهاد مسجد نرسیده است. البته لازم به ذکر است که با دغدغه سامان‌بخشی به دستگاه‌های ناظر به حوزه مسجد در راستای احیای کارکرد اجتماعی این نهاد سندی با عنوان «سند ملی مسجد»^۱ توسط بنیاد هدایت، به سفارش سازمان تبلیغات اسلامی و برای شورای عالی انقلاب فرهنگی در حال تدوین می‌باشد که هنوز به تصویب این شورا نرسیده است. همچنین در قانون برنامه هفتم توسعه کشور بندی با عنوان بند «ت» ماده (۷۶) آورده شده که بناست به منظور حمایت و پشتیبانی از امور مساجد کشور، بدون دخالت در امور داخلی و اجرایی آنها، شورایی در استان‌ها به ریاست نماینده ولی فقیه و امام جمعه مرکز استان و دبیری سازمان تبلیغات اسلامی (در استان‌هایی که مراکز رسیدگی به امور مساجد در آنها مستقر است، دبیر آن مرکز) و عضویت سازمان بسیج مستضعفین، اداره اوقاف و امور خیریه، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، مدیریت برادران و خواهران حوزه‌های علمیه، شهرداری مرکز استان، مراکز رسیدگی به امور مساجد (در صورت وجود) و نهادها و دستگاه‌های اجرایی مرتبط به امور مساجد در استان‌ها تشکیل شود.

۵-۳. ضعف در فرایند توسعه فیزیکی مساجد

۱-۵-۳. فقدان طرحی از آمایش سرزمینی مساجد در ایران

همه صاحب‌نظرانی که تاریخ شهرهای اسلامی را مورد بررسی قرار داده‌اند، از مسجد به عنوان مرکزیت شهرهای اسلامی، عنصر اصلی و غالب مرکز شهر و مراکز محلات یاد کرده و از آن به عنوان مرکز ثقل شهر و اصلی‌ترین عامل هویتی شهر مسلمانان سخن گفته‌اند [۴۲]. شهرها حول مساجد جامع ساخته می‌شد و در کوچه‌ها و محلات دیگر نیز مساجدی بنا می‌شدند که دسترسی به مسجد را آسان می‌کرد و این شیوه ساختن مساجد، نوعی از شبکه ارتباطی را بین آنها شکل می‌داد [۲۹].

یکی از مسائلی که در مورد مسجد، بسیار حائز اهمیت است، تعیین مکان مسجد در بافت شهری است [۴۳]. بنابراین لزوم تهیه طرحی جامع برای تعیین استقرار مساجد در شهرها ضرورت دارد [۴۲]. به گونه‌ای که می‌توان گفت؛ بخش قابل توجهی از اقدامات مؤثر در شکوفایی مسجد مربوط به مدیریت استقرار آن در مجتمع‌های زیستی است [۴۴]. از آنجاکه وقتی عنوان مسجد بودن برای مکانی تحقق یافت، آن محل برای همیشه مسجد خواهد بود، و بر اهمیت شناسایی و انتخاب معیارهای مکان‌یابی مساجد افزوده خواهد شد [۴۵].

از آنجاکه هیچ گونه برنامه‌ریزی سازمان‌یافته‌ای در مکان‌یابی و ایجاد مساجد بر اساس نیازهای مختلف جمعیتی وجود ندارد، مساجد در همه جا به طور متعادل و منطقی توسعه نمی‌یابد [۴۶] و مسائلی از قبیل تراکم بیش از حد جمعیت، سرعت در ساخت و سازهای شهری و نبود طراحی و برنامه‌ریزی مناسب، باعث شده است که به موقعیت و ساخت مساجد کمتر توجه شود [۴۷]. به طوری که با توجه به نگرش سوداگرایانه به زمین، زمین‌های اختصاص یافته به مساجد، اکثراً موقعیت و سطح مناسبی ندارد و بسیاری از مجتمع‌های جدیدالاحداث از مسجد بی بهره است [۴۲]. از طرفی بر اساس آخرین آمار منتشر شده توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با فرض وجود ۸۵ هزار باب مسجد در ایران، به ازای هر سه هزار ایرانی، یک مسجد در کشور وجود دارد [۴۸]. بنابراین، عدم برنامه‌ریزی سازمان‌یافته در مکان‌یابی و ایجاد مسجد در کنار سرانه پایین، دسترسی پذیری به این نهاد را تحت تأثیر جدی قرار خواهد داد.

مجموعاً در مسئله ایجاد و پراکنش مسجد، می‌توان به هفت متن سیاستی و تقنینی اشاره کرد که عبارتند از: «بیانیه شورای فرهنگ عمومی درباره امور معنوی» (مصوب ۱۳۷۶/۰۵/۲۷)، «اهداف و سیاست‌های کلی فرهنگی برنامه سوم توسعه کشور» (مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۲۵)، بند «ه» ماده (۱۰۶) قانون برنامه چهارم توسعه (مصوب ۱۳۸۳/۰۶/۱۱)، ماده (۶) قانون برنامه پنجم توسعه (مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵)، ماده (۹۵) قانون برنامه ششم توسعه، بند «ث» ماده (۳۷) قانون احکام دائمی توسعه (مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۰۱) و ماده (۲۴) قانون «جهش تولید مسکن» (مصوب ۱۴۰۰/۰۶/۲۴). به رغم تکیه قابل توجه بر ضرورت انجام اقدامات ساخت و توزیع مساجد مبتنی بر سرانه جمعیتی مناطق، در قوانین و اسناد سیاستی حاضر، بر اساس گزارش‌های دریافت شده، اجرای این سیاست‌ها و قوانین با موانعی همچون عدم اولویت برنامه‌ای برای

۱. عطف به ابلاغیه معاون اول رئیس‌جمهور و رئیس ستاد هماهنگی نقشه مهندسی فرهنگی کشور و عطف به نامه شماره ۱۴۰۰/۱۸۹۳۳/دش مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۸ مبنی بر تدوین «سند ملی توسعه، گسترش و تقویت نهاد مسجد و سامان‌بخشی و راهبری آن» به سازمان تبلیغات اسلامی و اگذار شده و سازمان تبلیغات نیز این کار را به بنیاد هدایت واگذار کرده است.
۲. مهدی ترکمنی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود به شناسایی و رتبه‌بندی معیارهای مؤثر بر مکان‌یابی مساجد پرداخته است.

دستگاه‌های مکلف مذکور در قانون، ضعف در تهیه دستورالعمل اجرایی، عدم پیش‌بینی ضمانت اجرایی کافی و عدم نگاشت نهادی دقیق در برخی از قوانین، همراه بوده و اجرایی‌سازی آنها را مختل کرده است [۳۸].

گفتنی است که در تاریخ ۱۳۹۲/۰۶/۲۷ طرحی با عنوان «طرح ملی مکان‌یابی و آمایش مساجد کشور» در ستاد پشتیبانی و هماهنگی مساجد (مستقر در سازمان اوقاف و امور خیریه) تصویب شد که بیشتر توجه آن به معماری مساجد معطوف بود. با وجود مسائل موجود در توسعه متناسب نهاد مسجد و مطابق با آمایش‌های دقیق، این موضوع در برنامه هفتم توسعه کاملاً مغفول مانده است.

۲-۵-۳. ضمانت اجرایی نداشتن قوانین مربوط به ساخت‌وساز مساجد

در قوانین مربوط به حوزه عمرانی مساجد، در بسیاری از موارد این امور بر عهده دستگاه‌های عمرانی و یا دستگاه‌هایی که رسالت اصلی آنها به صورت خاص، حوزه فرهنگ نیست، مانند وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری^۱ کشور سپرده شده است. همان‌طور که در محور پیشین بیان شد، بر اساس آسیب‌شناسی قوانین و سیاست‌های مربوط به ساخت‌وساز مساجد [۳۸]، از مهم‌ترین موانع اجرایی‌سازی قوانین، عدم نظارت بر اجرا (در کنار ضعف آماری) و همچنین عدم ضمانت اجرایی لازم و در نتیجه استنفاف و ترک فعل بسیاری از دستگاه‌های مکلف در این قوانین است. بنابراین ساخت‌وساز مساجد به اولویت‌های دست‌چند بسیاری از دستگاه‌های مکلف تبدیل شده و بسیاری از دستگاه‌ها نیز به آمارسازی در این زمینه می‌پردازند [۳۸].

۳-۶. کم‌توجهی به ظرفیت مسجد در باز تولید اعتماد تعمیم‌یافته

وجود و گسترش اعتماد تعمیم‌یافته در جامعه یکی از ضروریات تسریع در فرایند پیشرفت اجتماعی و اقتصادی است [۴۹]، [۵۰]، [۵۱]، [۵۲] و [۵۳]. در توضیح خصلت تعمیم‌یافتگی باید بیان کرد که اعتماد همواره در گروه‌های کوچک مانند خانواده، قبایل، روستاها و حتی اجتماعات خرد در شهرها وجود دارد. این نوع از اعتماد، اعتماد خاص و یا به عبارتی اعتماد تعمیم‌نیافته است. منظور از اعتماد تعمیم‌یافته، اعتمادی است که در کل جامعه پخش می‌شود. ممکن است که گرمای این نوع از اعتماد کمتر از اعتماد خاص باشد، اما دایره شمولیت آن وسیع‌تر است. بنابراین اعتماد در خانواده و گروه‌های کوچک، معمولاً اعتماد تعمیم‌نیافته گرم بوده و اعتماد تعمیم‌یافته در جامعه، اعتمادی وسیع‌تر، اما با گرمایش کمتر است. منظور از گرمایش کمتر، از منظر نظریه شبکه کنشگر^۲ آن است که ممکن است فرد در این نوع رابطه، حاضر نباشد که در همه زمینه‌ها به افراد جامعه خود اعتماد کند، اما در بیشتر زمینه‌هایی که مربوط به منافع او و یا منافع عمومی است، به آنها اعتماد می‌کند [۳۴]. این نوع از اعتماد توسعه‌یافته در بسیاری از وجوه اجتماعی می‌تواند به نوعی نظم منجر شود [۵۴]. نظمی که افراد جامعه موردنظر با کمک یکدیگر آن را شکل می‌دهند. بنابراین به نظر می‌رسد که این اعتماد تعمیم‌یافته در فرهنگ یک جامعه، زمینه‌های پیشرفت اقتصادی و از طرف دیگر نقش تقویت‌کننده همیاری اجتماعی افراد را به همراه داشته باشد و نوعی از مشارکت، تعامل اجتماعی و بسیج‌شوندگی را تقویت می‌کند [۵۵].

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در ارزیابی و تبیین فرایند حرکت تمدنی انقلاب اسلامی، معتقدند که اساساً بعد از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا دستیابی به غایت آن، چهار مرحله را باید طی کرد، این مراحل عبارتند از: تشکیل نظام اسلامی، تشکیل دولت اسلامی، تشکیل جامعه اسلامی و در نهایت ظهور تمدن اسلامی.^۳ به اعتقاد ایشان، امروز کشور در مرحله دولت‌سازی قرار دارد.^۴ ایشان در ضرورت تکمیل مرحله دولت‌سازی بیان می‌دارند: «تا وقتی این مرحله به طور کامل محقق نشده است، نوبت به «تشکیل جامعه‌ی اسلامی» نمی‌رسد و در این صورت، موضوع سبک زندگی اسلامی نیز صرفاً در سطح گفتمان‌سازی در جامعه باقی خواهد ماند».^۵ از طرف دیگر، همه انقلاب‌ها با همراهی بخشی از مردم که اعتقاد به نوعی تفکر داشته، صورت می‌پذیرند و آنها به فراهم آوردن مقدمات تغییرات اجتماعی اقدام می‌کنند. طبیعی است که

۱. ماده (۲۴) قانون جهش تولید مسکن.

2. Actor–Network Theory

3. B2n.ir/e52925 (پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری مدظله‌العالی).

۴. همان.

۵. همان.



جنبش‌ها در ابتدا مبتنی بر نوعی از اعتماد خاص باشند که تعمیم یافته نیست. اما زمانی که انقلاب‌ها پیروز می‌شوند، برای ایجاد جامعه‌ای یکپارچه (گام چهارم فرایند تمدن‌سازی)، ضرورت ایجاد اعتماد تعمیم یافته به منظور ایجاد بسیج عمومی در مسیر پیشرفت پدید می‌آید. در این مرحله باید برای آن تلاش کرد که از همه ظرفیت‌ها برای گسترش دایره اعتماد استفاده شود [۵۶]، [۵۷]، [۵۸] و [۳۴]. بنابراین با قبول این پیش فرض که برای پیشرفت در جهت دولت‌سازی و سپس تشکیل جامعه اسلامی و در نهایت ظهور تمدن اسلامی، اعتماد تعمیم یافته یکی از عناصر اصلی است و باید در فرهنگ جامعه گسترش یابد و از این طریق نیاز به نظم و یکپارچگی اجتماعی تأمین می‌شود، باید این سؤال را پرسید که مسجد در فرایند پیشرفت ایران چه امکانی را می‌تواند برای این امر فراهم آورد؟ پاسخ اول به این سؤال آن است که مسجد ادامه‌دهنده مسیر فعلی خود باشد و در همین فضا کارکردهایی اجتماعی، فرهنگی و یا سیاسی داشته باشد. برای مثال مسجد صرفاً خدماتی محدود مانند کتابخانه، قرض الحسنه و... را ارائه بدهد و از این طریق تلاش گردد تا در مسجد رونق ایجاد شود. اما به نظر می‌رسد که نهاد مسجد با جایگاه منحصر به فرد خود در فرهنگ و تمدن اسلامی، ظرفیتی فراتر از کارکردهای حداقلی موجود داشته و باید با ایفای نقشی کلیدی در تقویت اعتماد تعمیم یافته، در پیشبرد فرایند رشد و پیشرفت همه‌جانبه کشور در مسیر تمدن‌سازی تأثیرگذار باشد و ظرفیت حقیقی و اصلی آن شکوفا شود. بنابراین آن نقشی که می‌توان گفت نهاد مسجد باید در نظام اسلامی داشته باشد و در نوع آرمانی از مسجد در زمان رسول اکرم (ص) نیز مشاهده می‌شود، چنین نقشی است. لذا نهاد مسجد می‌تواند همه اقشار اجتماعی را ذیل خود جمع کرده و روابطی مبتنی بر اعتماد را گسترش دهد و از این طریق نظم اجتماعی را تقویت کرده و با استحکام بنیان‌های اجتماعی جامعه، به یکی از بازیگران تأثیرگذار پیشرفت در ایران بدل شود [۳۴]، [۵۹] و [۶۰].

۳-۷. محله‌زدایی در فرایندهای توسعه شهری و بی‌نسبت شدن مسجد با فضای پیرامونی خود

هویت محله‌ای فرایندی از تعاملات، پیوندها، تعلق‌های محیطی و انسجام جمعی است که در بستر محله ظهور و بروز می‌یابد [۶۱]. هر محله دارای ساختاری است که آن را از محله مجاور متمایز می‌کند. این ساختار بازتاب ماهوی و صوری ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی ساکنین محله است [۶۲].

ساختار محله و مفهوم همسایگی همانند سایر پدیده‌های اجتماعی، تنها شامل فضای فیزیکی متشکل از ساختمان‌های آجری و کوچه‌ها و پیاده‌روهای آن نیست، بلکه این ساختار بر پایه روابط و کنش‌های معنادار انسانی شکل می‌یابد. کالبد محله، از حس تعلق به محله جان می‌گیرد. حس تعلق به محله عبارت است از نوعی حس یکپارچگی با سایر اعضای اجتماع که مفهوم ذهنی محله بر آن بنا شده است؛ به عبارت دیگر، صرف هم‌جواری باعث ایجاد محله نمی‌شود، بلکه محله علاوه بر موقعیت مکانی، بر مبانی احساس عضویت، تأثیرگذاری، برآورده‌سازی نیازها و پیوندهای عاطفی شکل می‌گیرد [۶۳]. تعلق به مکان جزو ویژگی‌هایی است که باعث می‌شود افراد با توجه به احساسات و عواطف و وابستگی‌هایی که به مکان‌های خاصی دارند، در آن مشارکت و سرمایه‌گذاری کنند و برای بهبود آن اقداماتی انجام دهند. تعلق مکانی پایین، رغبت افراد را برای سرمایه‌گذاری در منطقه محل زندگی کم کرده و می‌تواند باعث ترک منطقه شود. احساس تعلق و عضویت فرد در محله و احساس تأثیرگذاری و نفوذ وی بر محیط اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، میزان مشارکت را افزایش می‌دهد و سهم مردم را در مدیریت محله، بالا برد، نیاز است که افراد به محله و مکانی که در آن زندگی می‌کنند، احساس تعلق و دل‌بستگی داشته باشند و هویتی را برای آن متصور باشند [۶۳].

محله در شهرهای اسلامی همان مکان‌های تشکیل شبکه‌های اجتماعی‌اند و چنین ساختاری بیش از آنکه تنها یک فضا باشد، یک تجربه است. این مکان شامل فضاهایی برای تحقق شرایط سکونت‌افزایی است که در آن محله زندگی می‌کنند و یا برای انجام امری یا دریافت خدماتی به آنجا مراجعه می‌کنند. مسجد، مدرسه، تکیه، حسینیه، خانقاه و دارالشفای عناصر مهم غیرمسکونی بافت محله‌ها هستند. هر محله معمولاً مرکزی با عناصر عملکردی خاص در مقیاس محله داشت که مسجد و بازارچه عناصر اصلی آن مرکز را تشکیل می‌دادند و یک محله اصلی، شامل چند زیرمحله نیز بوده است [۴۱]. محله در ایران دارای مفهومی جغرافیایی و اجتماعی بوده که از نظر فیزیکی قسمتی از شهر

می‌باشد که به وسیله مرزهایی مشخص شده و دارای گونه‌های یکسانی از واحدهای مسکونی است که مرکزی تجاری یا مذهبی دارد و از نظر اجتماعی دارای ساکنانی با طبقه اجتماعی یا قومی مشابه است. همچنین افراد در محله از معاشرت، روابط همسایگی و اتحاد غیررسمی میان خود برخوردارند [۶۳]. به نظر می‌رسد توجه به فرهنگ، ساختار و نظام محله‌ای و هویت‌های برخاسته از این فضاها می‌تواند راهکار مناسبی برای بازگرداندن هویت و معنا به زندگی مردم باشد.

ناکامی برنامه‌های کلان و شهرمقیاس در قالب طرح‌های جامع و هادی به دلیل توجه به ابعاد محدودی از حیات شهری، بر کسی پوشیده نیست، بنابراین اخیراً توجه و تأکید بر نامهریزی و مدیریت شهری به سطوح پایین‌تر و خردتر و عینی‌تر از زندگی شهری معطوف شده است [۶۴]. در این رویکرد که از آن به توسعه محله‌ای پایدار تعبیر می‌شود؛ بُعد فرهنگی-اجتماعی محله از اهمیت زیادی برخوردار است، چرا که فرهنگ شهرها، و به تبع آن فرهنگ محله‌ها، ابزار قدرتمندی برای کنترل توسعه شهری و محله‌ای محسوب می‌شوند و علاوه بر آن منبع خاطرات و بازسازی هویت، الهام‌بخش میراث شهری محله‌ای، تجسم‌بخش مهندسی شهری و معماری و هدایت‌کننده ساخت‌وساز شهری و محله‌ای نیز هستند. همچنین، در حل مسائل و معضلات اجتماعی ایجاد شده در سطح شهر و محله، فرهنگ‌های شهری و محله‌ای می‌توانند بسیار تأثیرگذار باشند و موجب کاهش جرم، خشونت و ناهنجاری‌ها شوند و امنیت محله را افزایش دهند [۶۵].

بنا به علل مختلفی که برخی ناشی از سیاستگذاری‌های شهری و برخی دیگر ناشی از تحولات جهانی بوده‌اند، هویت نهاد محله در بسیاری از شهرهای ایران تضعیف شده و در بسیاری از مناطق، به خصوص در شهرها و مناطق جدیدالاحداث، این نهاد بی‌معنا شده است. برخی از این علل عبارتند از: سیاست‌های ضد هویتی مانند نام‌گذاری‌های نامتناسب خیابان‌ها و کوچه‌ها، غلبه رویکرد فیزیکی به سیاست‌ها به جای اولویت دادن به رویکردهای اجتماعی و فرهنگی و مهاجرت به کلان‌شهرها و از بین رفتن نهاد محله. لذا سیاست‌های شهری به نهاد محله بی‌توجه بوده است و به همین دلیل روابط پایدار، خاطره جمعی و در یک کلام «محلیت»، به خصوص در کلان‌شهرها شکل نمی‌گیرد [۳۶]. بنابراین، با وجود اینکه در سطح مساجد کشور، طرح‌هایی مانند طرح «محله مسجدمحور»^۱ که در نهاد بسیج مستضعفین، هر چند به صورت حداقلی و ناقص، اجرا شده است، اما به دلیل عدم کلان‌سیاست‌های توسعه شهری مناسب جهت حفظ و تقویت نهاد محله، اساساً نهاد مسجد بی‌نسبت با محله دیده شده و در نتیجه نهاد مسجد و نهاد محله به شکلی ساختاری با یکدیگر پیوند نمی‌خورند. چرا که اساساً تعاملی دوسویه میان مسجد و محله برقرار است و زمانی مسجد، مسجد می‌شود که محله محلیت خود را داشته باشد و وقتی محله شکل گرفت، مسجد رونق پیدا می‌کند و مردم نیاز به اجتماع و هویت پیدا می‌کنند و مسجد بستری برای ارتباطات و شکل‌گیری اجتماع می‌شود [۳۶]. برای مثال در دوران کرونا، مساجدی که در مناطق با هویت محله‌ای پایدار قرار داشتند، کنشگران موفق‌تری در زمینه طرح‌هایی مانند کمک‌های مؤمنانه بودند [۹]. بنابراین، در نمایی کلی‌تر، می‌توان اذعان کرد که اساساً غالب الگوهای توسعه شهری فعلی، نسبتی با نهاد محله نداشته به همین دلیل، اقدامات نحیف سیاستی و برنامه‌های دستگاه‌های فعال در صحن مسجد، مانند بسیج مستضعفین و کانون‌های فرهنگی هنری مساجد برای پیوند مسجد با فضای پیرامونی خود، توفیق چندانی نداشته است. چرا که اساساً حفظ حیات محله که یکی از عوامل اصلی حیات مسجد است، در شیوه‌های توسعه شهری فعلی جایگاهی ندارد [۳۶] و [۳۷].

۸-۳. ناکارآمدی سازوکارهای سنتی تأمین مالی نهاد مسجد

نهاد وقف و سازوکار تأمین مالی مبتنی بر رقبات اماکن دینی و مذهبی، دو سازوکار سنتی، محوری و کارآمد نهاد دین و به تبع آن نهاد مسجد بوده‌اند. اما بنا به عللی این سازوکارها امروزه کارآمدی حداکثری خود را نداشته و نمی‌توانند به عنوان یگانه منبع تأمین مالی نهاد مسجد در ایران عمل کنند [۵۹] و [۶۶].

براساس بررسی‌های انجام شده، این عدم توانایی را منحصرأدر دو علت می‌توان جستجو کرد. علت اول، ضعیف شدن کلی نهاد مردم و نهادهای مردمی در مسجد همانند آنچه که پیش از این در زمینه تضعیف نهاد محله و چیره شدن انگاره آسیب‌زای «دولت خادم-ملت مخدوم» بیان شده است. با تضعیف نهادهای مردمی، سازوکارهای مردمی تأمین مالی که مبتنی بر انگیزه‌های دینی و خودجوش فردی و اجتماعی بود، نیز

۱. B2n.ir/r48913 (ایستا).



تضعیف شد. البته طبیعتاً این به معنی حذف شدن کلی این جوشش‌ها نیست، اما بنابه عللی مانند سیطره انگاره دولت-خادم-ملت مخدوم، در کنار تضعیف نهادهای مردمی مانند نهاد محله، نقش بازیگری نهاد دولت پررنگ‌تر شد و به همین نسبت نهاد مردم دچار ضعف مضاعف شد. علت دوم به ضعف سامانه مدیریت این سازوکارها و عدم بهره‌برداری بهینه از نهاد وقف و رقبات مساجد و اماکن دینی بازمی‌گردد که امروزه سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان بخش اصلی نظام اداره وقف در کشور با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو است [۶۷].

۹-۳. عدم حضور مستمر نهاد روحانیت در مسجد

نهاد حوزه علمیه یکی از اصلی‌ترین نهادهایی است که رابطه مستقیمی بین حیات آن با حیات نهاد مسجد در طول تمدن اسلامی برقرار بوده است. بنابه گزارش‌های متعددی، نهاد حوزه علمیه در کشور از جنبه‌هایی مختلف دچار ضعف‌هایی شده که کنشگری آن در حوزه‌های مختلف عملکردی خود، از جمله در حوزه مسجد را با اختلال روبه‌رو ساخته است^۱ [۶۸]. نقش امامت جماعت در مسجد را می‌توان اصلی‌ترین نقش طلاب علوم دینی در مسجد دانست که در مسجد کارکردهای متنوعی دارد، اما کارکرد اصلی آن مربوط به خود امامت جماعت بوده و دیگر کارکردها فرع بر این کارکرد هستند.^۲

براساس آخرین آمار منتشر شده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از مجموع مساجد شیعی موجود در کشور، تعداد ۲۸۸۵۰ باب (معادل ۴۶،۲۳ درصد) دارای امام جماعت بوده و تعداد ۳۳۵۵۲ باب (معادل ۵۳،۷۶ درصد) فاقد امام جماعت هستند. همچنین براساس آمار ارائه شده در جدول ۳، آمار اقامه نماز جماعت در بین ۳۳ هزار و ۷۲۵ نمونه از پایگاه‌های مرتبط با مساجد کشور، فقط قریب به ۳۰ درصد از مساجد کشور در هر سه نوبت نماز جماعت دارند.

جدول ۳. آمار اقامه نماز جماعت از بین پایگاه‌های مرتبط با مساجد

درصد	تعداد	موارد
۳۰/۶۱	۱۰۳۲۴	همه‌روزه سه نوبت
۲۱/۸	۷۳۵۲	همه‌روزه دو نوبت (ظهر و مغرب)
۱۵/۳۲	۵۱۶۷	همه‌روزه یک نوبت (مغرب)
۴/۸۰	۱۶۲۰	بعضی روزهای هفته (نامنظم)
۱۲/۴۸	۴۲۰۸	بعضی ایام سال (مانند محرم و رمضان)
۱۵/۵۸	۵۲۵۴	بدون نماز جماعت
۱۰۰	۳۳۷۲۵	مجموع پایگاه‌های سرشماری شده

مأخذ: [۴۸].

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، یکی از مشکلات مساجد در کشور، کمبود امامان جماعت به نسبت جمعیت و تعداد مساجد کشور است. همچنین براساس آمار مذکور در جدول ۴، در بین ۳۳ هزار و ۷۲۵ نمونه از پایگاه‌های مرتبط با مساجد کشور، ۵۰۵۴ (معادل ۱۴،۹۹ درصد) امام جماعت ندارند.

۱. رک. برای مثال: Bzn.ir/x94244 (فارس‌نیوز، عنوان خبر: حجت‌الاسلام والمسلمین ذاکر: حوزه علمیه، امام جماعت تربیت نمی‌کند/ نمی‌شود مسجد را با بخشنامه مدیریت کرد)، Bzn.ir/t43997 (تسنیم، عنوان خبر: آیت‌الله عابدی: حوزه‌های علمیه روش مسجدداری را به طلاب بیاموزند) و Bzn.ir/b95126 (رسا، عنوان خبر: حجت‌الاسلام والمسلمین حاج‌علی اکبری: حوزه علمیه تربیت امام جمعه و جماعت را در دستور کار قرار دهد).

۲. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران و حتی سیاستگذاران نهادهای مسجد، حوزه و روحانیت، علاوه بر علل زمینه‌ای که در گزارش حاضر بدان پرداخته شده است، علل دیگری مانند عدم تمرکز برنامه‌های آموزشی حوزه‌های علمیه کشور بر تربیت امام جماعت برای مساجد، در ضعف نهاد امامت جماعت مساجد مؤثر هستند. برای نمونه رک. Bzn.ir/h118701 (فارس‌نیوز) و Bzn.ir/a112200 (خبرگزاری رسمی حوزه).

جدول ۴. آمار امامان جماعت در بین پایگاه‌های مرتبط با مسجد

درصد	تعداد	موارد
۶۵/۵۱	۲۲۰۹۲	روحانی دائم
۱۷/۲۸	۵۸۲۸	روحانی غیردائم
۲/۲۳	۷۵۱	غیر روحانی
۱۴/۹۹	۵۰۵۴	امام ندارد
۱۰۰	۳۳۷۲۵	مجموع پایگاه‌های سرشماری شده

مأخذ: همان.

۱۰-۳. از انفعال حکمرانی مسجد در برابر موج تفکیک کارکردهای آن تا همسویی سیاست‌ها با این موج

همان‌طور که در توضیح علل مربوط به زمینه تضعیف کارکرد اجتماعی نهادهای دینی (به صورت کلی) و نهاد مسجد (به صورت خاص) بیان شد، بنابه دلایلی مانند پیچیده‌تر شدن ساختار حکمرانی در کنار کاهش نسبت دولت مدرن با نهاد دین و از بین رفتن محوریت آن در نظام‌های اجتماعی مدرن، نهاد دین کارکردهای اجتماعی و محوری خود را از دست داد و این امری بود که بر سراسر دنیای دیروز و امروز سایه افکند و با شکل‌گیری دولت مدرن و طی شدن فرایند مدرن شدن، در ایران نیز رخ داد. در همین مسیر، هم‌زمان با استقرار مدرنیته دولتی و اجتماعی در ایران، لاجرم موج انفکاک کارکردهای اجتماعی نهادهای دینی و نهاد مسجد به ایران نیز رسید و اندک‌اندک این کارکردها به نهاد دولت (و یا تحت نظارت نهاد دولت) و زیرمجموعه‌های آن (با حدود و سطوح مختلف مداخله نهاد دولت) منتقل شد و الگو و نظمی جدید از نظام‌های اجتماعی نهادینه گردید. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی به عنوان انقلابی که بن‌مایه اصلی آن انگیزه‌های دینی بود و قرار گرفتن دین و احیای اجتماعی آن به عنوان یکی از شعارهای اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران، انتظار می‌رفت که سیاست‌هایی بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت در راستای فعال شدن مجدد کارکردهای اجتماعی، سنتی و اصیل نهاد مسجد (مانند کارکردهای آموزشی و قضایی)، به وسیله ایجاد قربات، ارتباط و پیوند بین دستگاه حکمرانی کشور و نهاد مسجد صورت بگیرد. اما آنچه که در عمل به وقوع پیوست آن بود که تقریباً تا سه دهه نخست جمهوری اسلامی، در سطوح سیاستی، توجهی شایسته و بایسته به تقریب نهاد مسجد و نهاد حاکمیت صورت نگرفت و اساساً سیاست‌های نهاد مسجد، در اسناد سیاستی بالادستی، متضمن انتزاع و جدابودگی این نهاد از سطوح حکمرانی ترسیم شد. همین رویه در سیاستگذاری مسجد تا اوایل دهه ۹۰ ادامه یافت. در این دهه، بالاخره در برخی از اسناد سیاستی کلان، به ظرفیت‌های نهاد مسجد در حکمرانی توجه شد.^۱ اما باز هم در سطوح اسناد سیاستی میانی، مانند قانون برنامه ششم توسعه کشور، مبتنی بر ریل‌گذاری صورت گرفته در سندهای کلان، برنامه‌هایی تدوین نشد. بنابراین، با قبول این تحلیل که فرایند جدایی نهادهای دین و مسجد از نهاد حکومت، امری جهانی و تاریخ‌مند است، اما با بررسی تبار سیاستگذاری مسجد در جمهوری اسلامی ایران، این مسئله مشخص می‌شود که در سیاستگذاری نهاد مسجد، کوششی شایسته جهت پیوند نهادهای حکومت و مسجد و احیای ظرفیت‌های مسجد در حکمرانی از این طریق، صورت نپذیرفته است.^۲

اماروند حاضر صرفاً به اتخاذ سیاست‌های خنثی در قبال تقریب بین نهادهای مسجد و حاکمیت در کارکردهایی مانند کارکردهای آموزشی و قضایی ختم نشد، بلکه با مجموعه سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای در اوایل سال‌های دهه ۷۰،^۳ مانند تأسیس فرهنگ‌سراها^۴ و مجتمع‌های

۱. مانند اقدام ملی ۴۵، ذیل راهبرد کلان ۳ و اقدام ملی ۱۱ راهبرد کلان ۷ نقشه مهندسی فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی و بند «۱۴» فصل چهارم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۰۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۲. البته لازم به ذکر است که در قانون برنامه هفتم توسعه، موادی با نگاه استفاده از ظرفیت مسجد در حکمرانی کشور اضافه شده است. این مواد عبارتند از: بند «الف» ماده (۹۱) (با موضوع استفاده از ظرفیت مسجد در حکمرانی آموزش و پرورش) و تبصره «۱» بند «ت» ماده (۷۶) (با موضوع ارائه برخی از خدمات اجتماعی دستگاه‌ها در مساجد).

۳. (سایت سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران). B2n.ir/g16623

۴. «فرهنگ‌سرا»، به مجموعه‌ای فرهنگی و هنری اطلاق می‌شود که برای ارائه خدمات فرهنگی به شهروندان، عمدتاً از سوی شهرداری‌ها ایجاد شد. فرهنگ‌سرا، دارای کارکردهایی مانند برگزاری جشنواره‌ها برگزاری کارگاه‌های مختلف اعم از هنری، فرهنگی و اجتماعی، نمایشگاه‌های عرضه محصولات هنری و فرهنگی، مراسمات دینی و ... هستند. فرهنگ‌سرا، امروزه مهم‌ترین نهاد موازی مسجد در حوزه فرهنگ است که در آسیب‌شناسی وضعیت کنونی مساجد ایران باید به آن توجه ویژه‌ای شود؛ چنان‌که مشاهده می‌شود که نوع فرهنگ عمومی و نیز فرهنگ دینی ارائه شده در این مراکز، گاهی با فرهنگ موردنظر مسجد در تقابل کامل است [۲۰].



فرهنگی،^۱ که می‌توان آنها را با عنوان «مراکز مشابه و موازی نهاد مسجد» جمع کرد، کارکردهای نرم‌تر و به عبارتی فرهنگی‌تر نهاد مسجد مانند کارکردهای تربیتی که از جمله کارکردهای حیثیتی آن هستند، نیز به چالش جدی کشیده شد و این امری فراتر از منفعل بودن دستگاه سیاستگذاری مسجد در برابر فرایند مدرن شدن بود و به نوعی می‌توان هم‌افزایی و هم‌جهتی با سیاست‌های توسعه‌ای مدرن را در این سیاست‌ها و برنامه‌ها مشاهده کرد که در تقابل با فرایندهای سنتی نهاد مسجد قرار داشت.

بنابراین، در حالی که این انتظار وجود داشت که در فرایند سیاستگذاری نهاد مسجد در ایران، به وسیله سیاستگذاری بر روی مرزهای مشترک حداقلی و فعلی نهادهای مسجد و حاکمیت، زمینه تقریب نهادی آنها در طول بازه‌ای مشخص فراهم آید، اما با بی‌نسبت دیدن این دو نهاد در سیاست‌های ناظر بر مسجد و سلب کارکردهای نرم و غیرنرم آن و همچنین پدید آوردن مراکز موازی با نهاد مسجد، ظرفیت‌های این نهاد در حوزه حکمرانی، هرچه بیشتر به محاق رفت. ظرفیت‌هایی که اتفاقاً در برهه‌هایی بحرانی در تاریخ معاصر ایران، مانند دوران جنگ تحمیلی و بحران کرونا [۹]، نمودهایی از آن به منصفه ظهور رسیده.

۴. بحث و نتیجه‌گیری



پس از رنسانس در اروپا، طی تحولاتی بسیار گسترده و عمیق که نقطه شروع آن در عرصه‌های دین و تفکر بود، بازمهندسی جدیدی در این دو عرصه صورت گرفت و هندسه نوینی در ساختار دین و تفکر شکل یافت و در ساختار فکر و معرفت، مراکز ثقل اصلی جابه‌جا شد. اصلاح‌گران دینی در غرب از طریق این تغییر بنیادین، در گام بعدی جایگاه دین در جامعه، فرهنگ و دیگر عرصه‌های اجتماعی را به شکلی ساختاری و راهبردی تنزل دادند. بنابراین دولت مدرن در تعارض بنیادین با عناصر هویت‌بخش سنتی مانند دین و قومیت شکل گرفت. تجدد با مختصات خاص، طی فرایندی و با یک سری تحولات مانند شکل‌گیری دولت مدرن و انقلاب مشروطیت، در ایران نیز حاکم شد. مدرنیته نظام‌های اجتماعی خاص خود را ایجاد کرد و در امتداد آن، نظام ارتباطات اجتماعی در جوامع مسلمان، از ارتباطات سنتی به ارتباطات مدرن تغییر کرد. در کنار تغییرات متأثر از موج تجدد، اتفاقات دیگری نیز رخ داد که در عین اینکه از محوریت نهاد مسجد می‌کاست، اما ریشه آنها الزاماً و منحصرأ در تجدد نبود. اتفاقاتی مانند تغییر الگوهای مرجع و جدایی نهادهای سنتی مسجد از آن مانند نهادهای قضا و تعلیم و تربیت، در فرایند پیچیده‌تر شدن تشکیلات حکمرانی. اما برای این رخدادها، شکل‌گیری وضعیت جدیدی در تعارض با وضعیت سنتی نظام‌های اجتماعی بود که وضعیت سنت و از رهاورد آن، دین را به چالش می‌کشید.

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و نظام جمهوری اسلامی با اهداف و انگیزه‌هایی دینی، این انتظار وجود داشت که دستگاه حکمرانی حوزه دین و مسجد با اتخاذ سیاست‌هایی، به نهاد دین (به صورت کلی) و نهاد مسجد (به صورت خاص)، در هندسه نظام‌های اجتماعی محوریت داده و از این طریق زمینه احیای کارکردهای آنها را فراهم آورد. بنابراین مسئله اصلی نوشتار حاضر، ارزیابی کلان عملکرد جمهوری اسلامی ایران در سیاستگذاری حوزه مسجد در تعاطی و تعامل با مسئله احیای کارکرد اجتماعی آن بود و در مسیر حاضر این پیش‌فرض کلان وجود داشت که نسبت مطلوب نهاد حاکمیت با نهادهای دین و مسجد باید در بستری صورت بگیرد که هم این نهادها خصلت‌های حیثیتی و هویتی خود، مانند استقلال را حفظ کنند و هم ظرفیت‌های آنها، دستگاه حکمرانی جمهوری اسلامی را در دستیابی به اهداف خود یاری کند.

با آسیب‌شناسی سیاستگذاری نهاد مسجد در جمهوری اسلامی ایران و با نگاهی تبارشناسانه به این سیاست‌ها، می‌توان دریافت که به رغم توسعه کمی قابل توجه نهاد مسجد پس از انقلاب اسلامی، سیاستگذاری این نهاد از عارضه‌هایی اساسی مانند ابهام در حدود و نحوه مداخله دولت (به معنی اعم) در سیاستگذاری و قانونگذاری نهاد مسجد، غلبه رویکرد دفعی در سیاستگذاری مسجد، چیره شدن انگاره مخرب «دولت خادم- ملت مخدوم» بر برخی از شئون حیاتی مسجد، تعدد سازمان‌های متولی امور مسجد و عدم توازن هندسی این دستگاه‌ها نسبت به هم رنج می‌برد. این عوارض در کنار مشکلات ناظر بر نهادهای پیرامونی و زمینه‌ای مسجد مانند ناکارآمدی سازوکارهای سنتی تأمین مالی

۱. مجتمع فرهنگی، مجموعه‌ای مشابه فرهنگ‌سراست؛ با این تفاوت که کارکردهای بیشتری دارد. مجتمع‌های فرهنگی اصطلاحی است که به مجموعه‌ای چند کارکردی اطلاق می‌شود، مراکز تفریحی تجاری ورزشی و آموزشی از اجزای تشکیل‌دهنده این مجتمع‌ها هستند. امروزه مجتمع‌های فرهنگی از جمله مراکزی است که گاهی با ما در حوزه‌های فرهنگی و دینی موازی کاری می‌کنند [۲۰].

نهاد مسجد و عدم حضور مستمر نهاد روحانیت در مسجد، باعث شده است که رویکرد کلی دستگاه‌های حکمرانی حوزه مسجد در برابر موج انفکاک کارکردهای اجتماعی از آن یا به صورت انفعالی بوده و یا سیاست‌ها همسو با این موج اتخاذ شوند.

در تحلیل مرحله عمیق مشکلات کلان سیاستگذاری مسجد در جمهوری اسلامی ایران در راستای احیای کارکردهای اجتماعی آن، علت‌العلل مشکلات این عرصه را می‌توان «نگاه انفکاک‌ی به نهاد مسجد از جامعه پیرامونی و بدون ربط و نسبت دیدن آن با سایر نهادها و نظام‌های اجتماعی» و در نتیجه «سیاستگذاری نهاد مسجد بدون توجه به الگوها و کلان‌روندهای توسعه‌ای» و «سیاستگذاری دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و عمومی بدون توجه به ماهیت و ظرفیت نهاد مسجد» دانست. توضیح آنکه؛ از تحلیل عمیق تبار سیاستگذاری مسجد در ایران، می‌توان دریافت که گویا در قاطبه این فرایند، نهاد مسجد از سایر نهادهای اجتماعی مانند نهاد محله منفک دانسته می‌شود و در نتیجه سیاستگذاری‌ها برای احیای مسجد، منحصرأ ناظر بر خود نهاد مسجد است، در حالی که، مسجد از نهادهای پیرامونی و بسیار اثرگذار اطراف خود مانند نهادهای محله، حوزه علمیه و بازار منفک نبوده و تحولات هر کدام از این نهادها اثراتی مستقیم بر وضعیت مسجد می‌گذارد و اساساً زمانی می‌توان سیاستگذاری موفق‌ی در حوزه مسجد داشت که برای مثال نهاد محله، خصلت‌های اساسی خود را حفظ کرده باشد، چراکه این روح نهاد محله است که در کالبد مسجد ظهوری قدسی می‌یابد. بنابراین در تحلیل مرحله عمیق‌تر این مشکلات، «تعیین جایگاه نهاد مسجد در کلان‌الگوی توسعه (از جمله توسعه شهری) در جمهوری اسلامی ایران» به عنوان اولین ضرورت سیاستگذاری نهاد مسجد در جمهوری اسلامی ایران شناسایی می‌شود.

۵. پیشنهادهای سیاستی

۵-۱. تهیه سند بالادستی و کلان سیاستگذاری مسجد توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی

همان‌طور که پیش از این بیان شد، به رغم تورم دستگاهی در حوزه مسجد در جمهوری اسلامی ایران، حیطه‌های خلأ سیاستی حیاتی و فراوانی مانند حیطه امامت جماعت مساجد وجود دارد. حیطه‌هایی که رویکرد، امکان، سطوح و حدود مداخله حاکمیت (به معنای نسبت حاکمیت با مسجد) در آنها مشخص و شفاف نیست. همین امر، ضرورت تهیه سندی کلان و بالادستی در زمینه سیاستگذاری مسجد در جمهوری اسلامی ایران را روشن می‌سازد. سندی که امکان، حدود و سطوح مداخله رسمی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را در حوزه مسجد مشخص و شفاف نموده و مبنایی برای سیاستگذاری‌ها، قانونگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های این حوزه قرار گیرد. لازم به ذکر است که مراد از بیان وجود خلأ سیاستی در حوزه‌های مزبور، الزاماً تجویز مداخله مستقیم حاکمیت در این حوزه‌ها نیست. توضیح آنکه گاهی ممکن است که سیاست رسمی در قبال امری، عدم مداخله مستقیم آن امر باشد.

۵-۲. بازمهندسی ساختارهای ناظر بر حوزه مسجد، مبتنی بر دال مرکزی احیای کارکرد اجتماعی این نهاد

هر کدام از دستگاه‌های فعلی حوزه مسجد، در طول تاریخ ۴۵ ساله نظام جمهوری اسلامی ایران، براساس نوعی از احساس نیاز (ها) و ایفای نقش (ها) در جهت رفع این نیاز (ها) شکل گرفته‌اند و مجموع آن‌ها هندسه فعلی این ساختارها را در نهاد مسجد شکل داده است. از تبارشناسی هر کدام از این ساختارها می‌توان به دال مرکزی هویتی هر کدام از آن‌ها دست یافت و از انجام این بررسی درباره مجموع آن‌ها می‌توان به دال‌های مرکزی و کلی ساختارسازی در بستر مسجد در ۴۵ ساله حکمرانی آن در دوران جمهوری اسلامی ایران رسید. به این معنا که هندسه فعلی ساختارهای ناظر بر مسجد، حول دال‌های مرکزی مشخصی شکل یافته‌اند. این دال‌های مرکزی در تعیین و شکل‌دهی حدود، اختیارات و کارکردهای ساختارهای مزبور مؤثر بوده‌اند. بنابراین، با مبنی قرار دادن ضرورت احیای کارکرد اجتماعی نهاد مسجد در برهه کنونی ایران و همچنین ضرورت‌های سیاستگذاری مسجد که در متن حاضر اشاره شد (و البته الزامات بیشتری که می‌توان بر آن‌ها افزود)، ضرورت دارد که ساختارهای فعال در نهاد مسجد و هندسه فعلی آن‌ها نسبت به هم، براساس محوریت دال مرکزی «احیای کارکرد اجتماعی نهاد مسجد در جمهوری اسلامی ایران»، بازمهندسی شوند.



۳-۵. ملزم کردن دستگاه‌های دولتی و غیردولتی به ارائه بخشی از خدمات اجتماعی خود در بستر مسجد و گسترش تدریجی ارائه این خدمات توسط دستگاه‌های مزبور

با ظرفیت‌شناسی کارکردی نهاد مسجد در ایران امروز و با ملزم نمودن دستگاه‌های مختلف دولتی و غیردولتی به ارزیابی نوع و سطوح خدماتی که موظف به ارائه آن‌ها هستند در نسبت با میزان امکان ارائه این خدمات در بستر مسجد، می‌توان تصور نمود که بخشی از این خدمات که امکان بیشتری برای ارائه در بستر مسجد دارد، توسط همین دستگاه‌ها در این بستر ارائه گردند. همین نقطه اتصال نهاد مسجد با دستگاه‌های اجرایی می‌تواند نقطه شروعی برای نزدیک نمودن نهاد مسجد و ساختار حکمرانی به یکدیگر گردد. بدیهی است که این امر نیازمند ظرفیت‌سنجی واقعی نهاد مسجد در ارائه این خدمات است و این پیشنهاد به معنای ندیدن اقتضائات لازم برای انجام این امر نیست. همچنین لازم به ذکر است که استعداد کالبدی مساجد مختلف در مناطق گوناگون کشور ضرورتی است که باید در این امر لحاظ گردد.

بنابراین ضروری است که ظرفیت‌های طرفین این ارتباط، یعنی نهاد مسجد و ساختارهای دولتی و غیردولتی، شناسایی شده و موجبات ارائه معقول و تدریجی بخشی از خدمات اجتماعی این دستگاه‌ها در بستر مسجد را فراهم نمود. لازمه این امر، آن است که در بدو امر به این سؤال پاسخ گفت که اساساً نهاد مسجد در ایران امروز، توانایی ارائه چه سنخ از خدماتی را دارد و امکان ارائه چه خدماتی از نهاد مسجد سلب شده است؟

منابع و مأخذ



- [۱]. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۳ق). وسائل‌الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت(ع).
- [۲]. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیرون: مؤسسه اهل‌بیت(ع).
- [۳]. لبخندق، محسن. هاشمیان، محمدحسین (۱۳۹۲). «درآمدی بر صورت‌بندی جایگاه مسجد در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران برپایه تصورات کارکردی مساجد در گذر تاریخ». اسلام و مطالعات اجتماعی. سال ۱. شماره ۱: ۱۶۶-۱۳۶.
- [۴]. موسوی‌الخمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره).
- [۵]. مفتخری، حسین. پورآرین، فؤاد. سجادی، فریبرز (۱۳۹۳). «کارکرد اجتماعی مسجد در ایران عصر آل‌بویه». تحقیقات تاریخ اجتماعی. سال ۴. شماره ۷: ۱۷۳-۱۵۳.
- [۶]. سهرابی، حمیدرضا. فرح‌بخش، محمدجواد (۱۳۹۹). «بررسی نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی ایران». دولت‌پژوهی ایران معاصر. سال ۶. شماره ۳: ۱۳۹-۱۱۷.
- [۷]. جمال‌زاده، ناصر. امینیان، مهدی (۱۳۹۲). «نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی ایران». مطالعات فرهنگ-ارتباطات. سال ۱۴. شماره ۲۴: ۱۹۰-۱۶۳.
- [۸]. قاسمی، محمد (۱۳۹۹). «بررسی نقش مساجد در دفاع مقدس با محوریت نظر امام خمینی(ره)». اولین همایش ملی بررسی ابعاد مختلف دستاوردهای دفاع مقدس.
- [۹]. صبوری کزج، جواد. عصاره‌نژاد دزفولی، سینا (۱۴۰۲). «گزارش راهبردی واکاوی تجربه مواجهه نهاد مسجد با بحران زیستی کرونا؛ ارائه بسته سیاستی». دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- [۱۰]. باهنر، ناصر. فرخی، میثم (۱۳۹۳). «سیاستگذاری فرهنگی مطلوب مسجد در جمهوری اسلامی ایران؛ بررسی دیدگاه‌های خبرگان و سیاستگذاران». دین و ارتباطات. سال ۲۱. شماره ۴۶: ۳۸-۵.
- [۱۱]. فرخی، میثم (۱۳۹۵). سیاستگذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- [۱۲]. صداقتی، کیوان (۱۳۹۳). مسجد در نظم حقوقی کنونی. تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش.
- [۱۳]. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲-۱۳۷۰). ماهنامه مسجد. تهران: مرکز رسیدگی به امور مساجد.
- [۱۴]. هودشتیان، عطا (۱۳۸۱). مدرنیته، جهانی شدن و ایران. تهران: شرکت چاپخش سهامی خاص.
- [۱۵]. پاکتچی، احمد (۱۴۰۱). جزوه کلاسی دوره دکتری سیاستگذاری فرهنگی. تهران: دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع).

- [۱۶]. استوفر، ریشار (۱۳۹۳). دین‌پیرایی، مترجم: عبدالوهاب احمدی. تهران: آگه.
- [۱۷]. افضل‌ی، رسول. اسمعیلی، علی (۱۳۸۶). «رویکردی نوین به رابطه جهان اسلام و مدرنیته». سال ۳۷. شماره ۴.
- [۱۸]. خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۶۸). «ترجمه قرآن به زبان‌های اروپایی». سال ۱۵. شماره ۲۸.
- [۱۹]. برومند اعلم، عباس (۱۳۸۴). «درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی». تهران: ستاد اقامه نماز.
- [۲۰]. قنبری‌نیک، محسن (۱۴۰۰). «تحلیلی بر علل تغییر جایگاه و کاهش کارکردهای اجتماعی مسجد در جامعه کنونی». اسلام و مطالعات اجتماعی. سال ۸. شماره ۳۲: ۲۷-۵۵.
- [۲۱]. کوئن، بروس (۱۳۷۳). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه: عباسعلی توسلی و رضا فاضل. تهران: نشر سمت.
- [۲۲]. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱). «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج اول». تهران: دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها.
- [۲۳]. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲). «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج دوم». تهران: دفتر انتشارات طرح‌های ملی.
- [۲۴]. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات؛ مرکز ملی رصد اجتماعی (۱۳۹۵). «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج سوم». تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- [۲۵]. امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد. رهبر قاضی، محمودرضا. برزگرقاضی، کمال و صادقی نقدی، زهرا (۱۳۹۱). «رابطه میان دینداری و رفتار انتخاباتی». قدرت نرم. سال ۳. شماره ۸: ۲۷-۴۴.
- [۲۶]. رحمانی، جبار (۱۴۰۲). سخنرانی: همایش ملی مسجد و نظم اجتماعی در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- [۲۷]. ابن سعد (بغدادی)، محمد (۱۳۹۲). الطبقات الکبری، ج ۱ (مترجم: محمود دامغانی). تهران: فرهنگ و اندیشه.
- [۲۸]. زرینی، حسین. هژبریان، حسین (۱۳۸۸). تاریخ معاصر دستگاه قضایی ایران و تحولات آن، ج ۱. تهران: معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه مرکز مطالعات توسعه قضایی.
- [۲۹]. الویری، محسن (۱۴۰۲). سخنرانی: همایش ملی مسجد و نظم اجتماعی در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- [۳۰]. اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌بن‌علی (۱۳۶۳). المآثر والآثار، ج ۱. تهران: اساطیر.
- [۳۱]. طاووسی، سعید (۱۴۰۲). سخنرانی: همایش ملی مسجد و نظم اجتماعی در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- [۳۲]. قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷). تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: سمت.
- [۳۳]. موظف‌رستمی، محمدعلی (۱۳۸۰). آیین مسجد، ج ۳. تهران: گویه.
- [۳۴]. کوثری، مسعود (۱۴۰۲). سخنرانی: همایش ملی مسجد و نظم اجتماعی در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- [۳۵]. مهدوی‌کنی، محمدسعید؛ امینی‌هرندی، رضا (۱۳۹۶). «توسعه فرهنگی محله‌ای پایدار مسجدمحور مورد مطالعه مسجد ثامن‌الائمه (ع) تهران». دین و ارتباطات. سال ۲۴. شماره ۵۲: ۱۹۵-۲۴۲.
- [۳۶]. مهدیار، میثم (۱۴۰۲). سخنرانی: همایش ملی مسجد و نظم اجتماعی در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- [۳۷]. انتظاری، اردشیر (۱۴۰۲). سخنرانی: همایش ملی مسجد و نظم اجتماعی در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- [۳۸]. عصاره‌نژاد دزفولی، سینا؛ صبوری کزج، جواد (۱۴۰۲). «بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه (۷): حوزه دین، ارشاد اسلامی و اوقاف و ارائه احکام پیشنهادی». مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش. گروه دین، ارشاد اسلامی و اوقاف.
- [۳۹]. کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۳۹۳). الکافی، ج ۷، ترجمه: حسین استادولی. تهران: دارالکتب.
- [۴۰]. «وب‌گاه بچه‌های مسجد، ارکان کانون‌های فرهنگی هنری مساجد». مشاهده شده: ۱۴۰۱/۰۵/۰۹. <https://b2n.ir/h05474>.
- [۴۱]. «خبرگزاری فارس، ۲۴ نهاد فعال در اداره مسجد/ مسئولیت با چه کسی است؟» (۱۳۹۹). [B2n.ir/g89212](https://b2n.ir/g89212).
- [۴۲]. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۷). شهر و معماری اسلامی. اصفهان: مانی.
- [۴۳]. زرگر، اکبر (۱۳۸۶). راهنمای معماری مساجد. تهران: دید.
- [۴۴]. اصغریان جدی، احمد (۱۳۷۷). «مبانی نظری مکان‌یابی مساجد در ادوار مختلف». صف. سال ۸. شماره ۲۶: ۳۹-۵۳.
- [۴۵]. آذر، عادل. لطیفی، میثم. ترکمنی، مهدی (۱۳۹۲). «شناسایی و رتبه‌بندی معیارهای مؤثر بر مکان‌یابی مساجد». مدیریت اسلامی. سال ۲۱. شماره ۲: ۲۰۵-۲۲۲.



- [۴۶]. عباسی حسینی، ابراهیم (۱۳۶۶). «مروری بر جامعه‌شناسی مساجد». مشکات. شماره ۱۶: ۹۵-۱۱۳.
- [۴۷]. محمدی، محسن (۱۳۸۳). مسجد. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- [۴۸]. مرکز رصد فرهنگی کشور (۱۴۰۲). «مسجد در ایران، آمار، کارکردها، مسائل و جایگاه اجتماعی». تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر، ارتباطات.
- [۴۹]. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). راه سوم، بازسازی سوسیال دموکراسی، ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: شیرازه.
- [۵۰]. لرنر، دانیل (۱۳۸۳). گذر جامعه سنتی: نوسازی خاورمیانه، ترجمه: غلامرضا خواجه‌سروی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- [۵۱]. ازکیا، مصطفی. غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: کیهان.
- [۵۲]. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه: مریم وتر. تهران: کویر.
- [۵۳]. زتومکا، پیوتر (۱۳۸۶). نظریه جامعه‌شناختی اعتماد، ترجمه: غلامرضا غفاری. تهران: شیرازه.
- [۵۴]. رحمانی، تیمور. امیری، میثم (۱۳۸۵). «بررسی تأثیر اعتماد بر رشد اقتصادی در استان‌ها ایران با روش اقتصادسنجی فضایی». مجله تحقیقات اقتصادی. شماره ۷۸.
- [۵۵]. رزم‌آهنگ، مهدی. صادقی شاهدانی، مهدی (۱۳۹۹). «واکاوی رابطه بین فساد عینی و ادراکی با مؤلفه اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته». مجلس و راهبرد. سال ۲۷. شماره ۱۰۳: ۵۰-۳۱.
- [۵۶]. آزادارمکی، تقی (۱۴۰۰). «انهدام طبقه متوسط در ایران». مشاهده شده در: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳. لینک: B2n.ir/p81722.
- [۵۷]. قرائی مقدم، امان‌الله (۱۴۰۳). «کوچک شدن طبقه متوسط؛ مهم‌ترین تغییر اجتماعی سال ۱۴۰۲/جامعه ایران دیگر یک جامعه سنتی نیست». مشاهده شده در: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳. خبر آنلاین. لینک خبر: B2n.ir/j38658.
- [۵۸]. نیلی، مسعود (۱۴۰۳). «چه بر سر طبقه متوسط آمد؟». عصر ایران. مشاهده شده در: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳. لینک خبر: B2n.ir/q64043.
- [۵۹]. قیدرلو، کمیل (۱۴۰۲). سخنرانی: همایش ملی مسجد و نظم اجتماعی در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- [۶۰]. همایون، محمدهادی (۱۴۰۲). سخنرانی: همایش ملی مسجد و نظم اجتماعی در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- [۶۱]. غفاری، علیرضا (۱۳۹۲). مدیریت شهری و مشارکت‌های اجتماعی. تهران: تیسرا.
- [62]. Hodsani, H. (2004). Spatial improvment of urban neighborhoods [in persian]. Masters.
- Jacobs, A. B. (1987). Toward an Urban Design Manifesto, Journal of American Planning Association, 53: 112-20.
- [۶۳]. نادری، احمد. شیرعلی، ابراهیم. قاسمی کفروودی، سجاد (۱۳۹۳). «بررسی حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی؛ نمونه موردی: محله نعمت‌آباد». مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال ۶. شماره ۳: ۲۰-۷.
- [64]. Friedman, J (1993). "Toward a Non-Euclidian Model of Planning", Journal of the American Planning Association, 59:4.
- [65]. Zokin, SsHaron (1995). The culture of cities, Blackwell.
- [۶۶]. موسایی، میثم (۱۴۰۲). سخنرانی: همایش ملی مسجد و نظم اجتماعی در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- [۶۷]. ابوجعفری، روح‌الله. مسعودی‌پور، سعید (۱۴۰۰). «تبیین اهرم‌های تحولی سازمان اوقاف و امور خیریه مبتنی بر شناسایی و اولویت‌بندی نظام جامع مسائل آن». اندیشه مدیریت راهبردی. سال ۱۵. شماره ۲۹: ۳۶۲-۳۲۹.
- [۶۸]. خوانساری، محمدامین. مستمع، رضا (۱۴۰۲). «تسری ظرفیت‌های معطل‌مانده تقنینی در جهت استفاده از ظرفیت حوزه‌های علمیه». دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

گزیده سیاستی

مهم‌ترین چالش سیاستگذاری در جهت احیای کارکرد اجتماعی مسجد، «نگاه انفکاک‌ی به نهاد مسجد از جامعه پیرامونی و بدون ربط دیدن آن با سایر نظام‌های اجتماعی» و در نتیجه «سیاستگذاری نهاد مسجد بدون توجه به الگوها و کلان‌روندهای توسعه‌ای» و «سیاستگذاری دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و عمومی بدون توجه به ماهیت و ظرفیت نهاد مسجد» است. بنابر این «تعیین جایگاه نهاد مسجد در کلان‌الگوی توسعه در ایران» به‌عنوان اولین ضرورت سیاستگذاری مسجد شناسایی می‌شود.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، رویروی یارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir